

باهشیاری واتحاد، برای مقابله باتوطئه جدید امریکا آمادہ باشيم

جنگ عظیمی بر سر «گروگانها» برپا شده است. ریگان و کارتر و ماسکی و سخنگویان کنخسفيد و پتناکون و انواع و اقسام مفسران رادیوها و تلویزیونها و همه خبرگزاریهای غرب، همه باهم، یکباره فریاد برآورده اند که شرایط ایران برای آزادی «گروگانها» شرایطی است «غیرمنطقی»، مخالف با «شرافت ملی» آمریکا، خارج از اختیارات و امکانات کنخسفيد، «باج خواهی» غیرقابل قبول، ناسازگار با «هدفهای اصلی آمریکا» است. اشک تسامح است که سیل آسا برای «گروگانها» از چشمان وقیح ترین و جنایتکارترین نمایندگان امپریالیسم خونخوار آمریکا سرازیر میشود. برای آمریکایی «مظلوم» چاره ای نمانده است جز اینکه «اقدامات قاطع تری» انجام دهد و بنا به «پیشنهاد پدر يك گروگان!» به مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی «ظالم» ایران، بپردازد.

نظری به مجموع عملیات اخیر امریکا و عواملش در خارج ایران و توجیهی به تحریکات و جوسازی ضدانقلابی، که باز در داخل کشور در روزهای اخیر شدت گرفته، تردیدی باقی نمی گذارد که ما مجددا در آستانه اجرای اقدام تازه ای از جانب امریکا برای شکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته ایم. تهاجم نظامی ناگهانی صدام، ششمین توطئه امریکا برای درهم شکستن انقلاب ما و بازپس گرفتن ایران بود. این توطئه، که بنا به محاسبات دقیق (!) دستگاه دولتی امریکا می بایست از ۴،۳ روز تا حداکثر يك هفته جمهوری اسلامی ایران را از پای درآورد، با شکست روبرو شد. اینک امریکا مجددا در کار تدارك توطئه دیگری است، تا به هدف جنایتکارانه خود برسد.

بقیه در صفحه ۷

مردم در راه پیمائی دیروز شعار می دادند:

مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان

● مردم شعار می دادند:

تفرقه و جدائی، سلاح آمریکائی

حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

نشریات حزب توده ایران با پیگیری و سرسختی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند و دفاع خواهند کرد

(درباره اظهارات آقای ابوالقاسم صادق، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی درباره نشریات حزب توده ایران)

۳ رفیق توده ای را در تبریز فورا آزاد کنید!

خطر صدور حکم اعدام برای دو نفر از اعضای حزب توده ایران در تبریز وجود دارد

اطلاعات رسیده دوفتر از آن ها در خطر اعدام قرار دارند. براساس گزارش خبرنگار نامه «مردم» در تبریز رفقا خالد قریشی (مسئول سازمان حزب توده ایران در بوکان)، عبدالله کردپور (از مسئولان حزب در بوکان) و کریم نورانی (مسئول سازمان جوانان توده ایران در بوکان) بدون هیچگونه دلیلی در نزدیکی میان دو آب دستگیر و به تبریز برده شده اند. اطلاعات بعدی خبرنگار ما نشان می دهد که برای دوفتر از این افراد احتمال صدور حکم اعدام می رود. بقیه در صفحه ۷

۳ تن از اعضای حزب توده ایران چند روز پیش در راه بوکان - خاندو آب دستگیر شدند و بر اساس

آقای ابوالقاسم صادق معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی در يك گفتگو با روزنامه کیهان (۱۰/۱۰/۵۹) به توضیح نظریات خویش پیرامون لایحه جدید مطبوعات پرداخته است. بیشك تدوین لایحه مطبوعات، که به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد و تسجارب انقلاب بزرگ ایران را طی دو سال گذشته دربر داشته باشد، امری مهم و ضرور است. طی دو سال گذشته نشریات بسیاری در عرصه جامعه ما پدید آمدند و هر يك به شیوه و تفکر خاص خویش با انقلاب ایران روبرو شدند. برخی از آنها در هتیار ساختن مردم نسبت به توطئه های امپریالیسم امریکا تلاش کردند، طریقه های خائنه شیطان بزرگ و مزدوران داخلی آنرا افشا کردند و با تمام قوا از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب بقیه در صفحه ۴

در ادامه جنگ خسارات زیادی به ارتش صدام حسین وارد آمد

محاصره کردند. بر اثر این اقدام بین نیروهای خودی و ضدانقلابیون درگیری ایجاد شد و تا ساعت ۴ بامداد روز گذشته (۵ دیماه) ادامه داشت. سرانجام ضدانقلابیون بقیه در صفحه ۷

سفر با یکی از واحدهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درگیری ایجاد کردند، که اجبارا واحد نظامی درگیر مجبور به رفع مزاحمت شده و تلفات و ضایعاتی به ضدانقلابیون وارد ساخته است. از میزان تلفات ضدانقلابیون اطلاعاتی در دست نیست و به نیروهای خودی تلفاتی وارد نشده است.

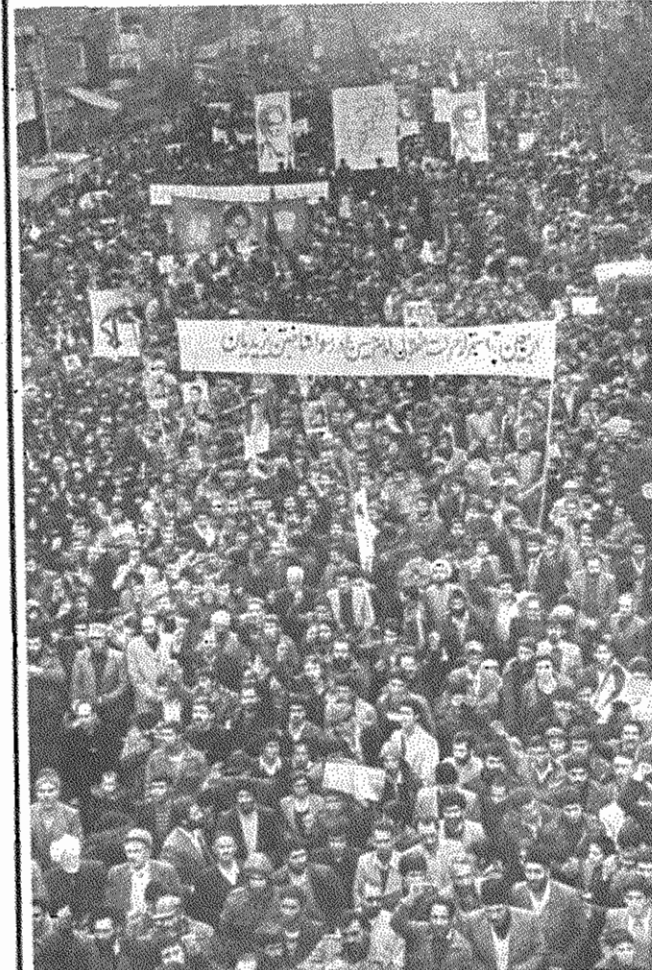
نبرد مدافعان انقلاب بسا تجاوزگران صدامی در چندروز گذشته نیز همچنان به شدت ادامه داشت. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۴۹ خود، قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را بشرح زیر برشمرده و اوضاع جبهه ها در تاریخ ۴ دی ماه جاری را چنین اعلام کرده است:

استقلال و آزادی

صفا ۴

برخلاف سخنان رهبر انقلاب، امام جمعه تهران و دستور وزیر کشور: افغانی ها و رنجبری ها در تهران راه پیمائی کردند

دادند، صبح پریروز گروهی از افغانی های وابسته به حزب آمریکائی «حرکت اسلامی افغانستان»، به کمک مائوئیست های آمریکائی «رنجبر» در تهران دست به يك راه پیمائی تحریک آمیز زدند و در پایان به سفارت اتحاد



گوشه ای از راه پیمائی عظیم دیروز. مردم شعار می دهند: رهبری خمینی، اساس وحدت ماست.

هزاران نفر از مردم تهران در فریو شعارهای مذهبی و فریادهای «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر ریگان» به مناسبت روز اربعین راه پیمائی کردند.

مردم تهران صبح دیروز در حالیکه مردان و زنان کفن پوش پیشاپیش آنها حرکت می کردند، از ۶ نقطه تهران حرکت کردند و در حالیکه در شعارهای خود بار دیگر همبستگی خود را با رهبر انقلاب، برای دفاع از زمین انقلابی در برابر امپریالیسم امریکا و رژیم تجاوزکار صدام اعلام می داشتند، به جانب میدان امام حسین حرکت کردند.

پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه روز ۸ دیماه امسال شصتمین سالگرد تاسیس خود را بزرگ میدارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت تلگرام شاد باش زیر را به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه مخابره کرد:

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه
رفقای گرامی!
کمیته مرکزی حزب توده ایران شصتمین سالگرد

بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه حزبی آبدیده در کوره نبردها، متکی به طبقه کارگر و وفادار به همبستگی

کمونیستهای فرانسوی امروز ۲۹ دسامبر (۸دی) شصتمین سال تاسیس حزب خود را جشن میگیرند. آنها بحق بخود میبالند که در این ۶۰ سال از میان خون و آتش، دشواریها و پیروزیها، راه گشائیها و اشتباهات، فرازا و نشیبها توانستهاند حزبی را آبدیده کنند که در صحنه سیاسی کشور فرانسه قادر است بسا کامیابی پنجه در پنجه انحصارات امپریالیستی و شرکتهای چندملیتی افکند و انواع فشارهای ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی را، تا آنجا که در توان دارد، بمدد طبقه کارگر پرافتخار فرانسه، خنثی کند و یکی از گردانهای موثر جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بدل گردد.

کمونیستهای فرانسوی زایش حزب خویش را به پیدایش نور در دل شبی تاریک تشبیه می کنند. این شب در شهر «تور» در جریان کنکره حزب طبقه کارگر - در آن موقع هنوز سوسیالیست نامیده میشد پایان گرفت. در سالهای جنگ اول جهانی و پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، در مقابل جنبش کارگری و کمونیستی این وظیفه حیاتی قرار گرفت که صفوف خود را از اپورتونیسم پاک کند، سیاست و روشی انقلابی، که پیگیرانه در خدمت منافع طبقاتی زحمتکشان باشد، انتخاب کند و از دامهای همکاری طبقاتی، سازشکاری و تسلیم، که در برابرش گسترده میشد، حذر نماید. در فرانسه، پس از پنجم ماه بحثهای پرشور، که در تمام شعب حزب سوسیالیست، بدنبال فراخوان انترناسیونال سوم در گرفت، و پس از ۵ روز مباحثات بسیار جدی و اصولی در کنکره «تور» بالاخره به پیشنهاد مبارز شپیر، مارسل کاشن، با اکثریتی عظیم، که بیش از سه چهارم نمایندگان حاضر در کنکره را دربر میگرفت، راه اصولی، پی گیر و انقلابی برگزیده شد و الحاق به انترناسیونال سوم، به رهبری لنین، تصویب گردید.

این سند تولد حزب کمونیست فرانسه بود، حزبی که میرفت تا در کوره رویدادها حساب خود را از رفرمیسم و سازش با بورژوازی جدا کند و در راه همبستگی بین المللی زحمتکشان جهان، دفاع از سوسیالیسم و از نهضت آزادیبخش ملی، افتخارات عیدیه کسب کند و با توسل به انواع شیوههای مبارزه، از سازمان دادن نهضت مسلحانه مقاومت و کسب لقب پرافتخار «حزب شهبندان» گرفته، تا شرکت در پارلمان و در دولت، از توسل به عظیمترین اختصایات راهبیمائیها و میتینگها و جشنهای وسیع توده ای گرفته، تا رویارویی ایدئولوژیک با اندیشه بردازان بورژوازی امپریالیستی، از کوشش برای تشکیل جبهه واحد خلق گرفته، تا یافتن راههای همکاری با مسیحیون مرفقی و زحمتکش، به سهم خود در غنی کردن گنجینه ثوریک و عملی فعالیت کمونیستها بکوشد.

انترناسیونالیسم پروتری، همبستگی بین المللی زحمتکشان جهان، از وجوه مشخصه و بارز حزب برادر ما بوده است. در همان کنکره «تور» بانگ پرشور هوشمین، نماینده شبه جزیره هندوچین، که آن زمان مستعمره فرانسه بود، طنین افکن شد، طنینی که شصتسال است خاموش نشده و همواره حزب کمونیست فرانسه را در نبرد علیه استعمار فرانسه و نواستعمار رهنمون شده است.

در همان کنکره «تور» حضور تکان دهنده بانو کلارا تستکین، نماینده انترناسیونال سوم، که مخفیانه و علیرغم ممانعت دولت فرانسه به این کشور آمده بود، شالوده پیوندی را ریخت که با وجود همه جزر و مدها و طوفانهای حوادث در صحنه بین المللی، قویتر و ریشه دارتر شده است. بانو کلارا تستکین، که در آن هنگام ۶۳ ساله بود و سالهای پر شمار زندان را پشت سر گذاشته و از فعالین بنام جنبش کارگری و انقلابی جهان بود، بهنگام تاسیس حزب کمونیست فرانسه، در جلسه کنکره، خطاب به نمایندگان گفت:

«شما در این لحظه تاریخ را نمی نویسید، شما تاریخ را میسازید». این وظیفه عظیم را کمونیستهای فرانسوی، با تکیه به نیروی لایزال توده زحمتکش بویژه کارگران آن کشور، به انجام میرسانند. ما توده ایها، که در این سالروز تاسیس حزب کمونیست فرانسه،

به رفقای همزم خویش شادباش میگوئیم، بیاد می آوریم سالهای سیاه حکومت وابسته شاه ملعون را که طی آنها، کمونیستهای فرانسوی از برجسته ترین مدافعان جنبش مردم ما بودند و همواره در رده اول مبارزه بین المللی علیه نظام وابسته و استبدادی شاه ملعون قرار داشتند و همیشه بانگ پرافتخار نمایندگان این حزب در اعتراض به جنایات شاه ملعون و در افشای سیاستهای ضد خلقی و ضد میهنی او در صحنه جهان، طنین بس رسائی داشته است. ما بیاد می آوریم همین دو سال اخیر و پس از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی خود را، که حزب کمونیست فرانسه تقریباً یکه و تنها با موج عظیم تبلیغات دروغ پردازانه بورژوازی فرانسه، اتهامات خیر گزاریهار جراید پر شمار فرانسوی مقابله میکرد و حقایق را درباره انقلاب ما، تا آنجا که می توانست، با اطلاع مردم فرانسه میرسانید. سیاست روشن این حزب نیز، مانند سایر گردانهای جنبش جهانی کارگری و کمونیستی نشان داد که دوستان واقعی انقلاب، و مردم انقلابی ما کیانند و چگونه با ما در یک صف مشترک در نبرد علیه امپریالیسم و توطئه های آن قرار دارند.

موفق باد نبرد دشوار، ولی پرافتخار کمونیستهای فرانسوی، و مبارک باد جشن شصتمین سال تاسیس حزب کمونیست فرانسه!

حفظ نشریات...

بقیه از صفحه ۱

پشتیبانی کردند، راه بنمودند و از جاه پرحذر داشتند. اما پالمس، برخی از این نشریات، که گروهی از آنان مستقیماً توسط جاسوسان «سیا» هدایت میشدند، تا توانستند میان صفوف خلق تفرقه انداختند، با نشر اخبار دروغ کوشیدند تا مردم را نسبت به دوستان انقلاب ایران بدبین سازند، افکار را از خطر توطئه های شیطان بزرگ منحرف کنند و به پیشبرد توطئه های شوم وی یاری رسانند. برخی از این نشریات دیگر اکنون وجود ندارند و انقلاب آنها را از سر راه خویش برداشته است. اما هنوز گروهی از آنان به فعالیت مخرب خویش علیه انقلاب مشغولند. بنابراین، برای مقام مسئولی که درباره قانون جدید مطبوعات سخن میگوید و باید بر اساس تجربه تلخ، ولی پر باره خط مشی مطبوعات گذشته، درباره خط مشی مطبوعات سال سوم انقلاب بر طبق مصالح انقلاب اظهار نظر کند، میبایست این تجارب جدا مورد توجه قرار گیرد. آنهم زمانیکه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانه تکوین هفتمین توطئه امپریالیسم آمریکا قرار دارند و باز هم برخی نشریات، نه فقط کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا و شیوه های مقابله با آنها و ضرورت اتحاد خلق و نیروهای انقلابی علیه تلاشهای ضد انقلاب، سخن نمیگویند، بلکه خاك در چشم مردم میباشند و به تفرقه جوئی دست میزنند.

اما در کمال تأسف و تعجب، آقای صادق حتی کلمه ای در مورد نقش مطبوعات ضد انقلابی، که با سکوت در صورت توطئه های امپریالیسم آمریکا و منحرف کردن افکار مردم از خطر جدی امپریالیسم آمریکا، به امپریالیسم آمریکا یاری رسانیدند و اکنون نیز در همین جهت عمل میکنند، بر زبان نمی آورند، او ضرورت وحدت مطبوعات متعهد و انقلابی را برای افشای توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و هشیار ساختن مردم متذکر نمیشود، او تنها میگوید که «کمسیون رسیدگی به امتیازها»، باید «بتواند امتیاز نشریاتی را که برخلاف ادعای

اوله شان قدم بر میدارند، لغو نماید». وی سپس «متلا» از «حزب توده ایران» و ارگان مرکزی «نامه مردم» نام میبرد، که گویا «برخلاف ادعاهایشان عمل کرده اند»!

دلیل آقای معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی برای لغو امتیاز نامه «مردم» چیست؟ هیچ! شکفت انگیز و تأسف آور است، اما واقعیت دارد که آقای صادق بی آنکه بتواند هیچ ایراد قانونی (فانونی) که هنوز موجود است) بر کار حزب توده ایران و نشریات آن، که همگی منطبق بر قانون مطبوعات و بسا اجازه وزارت ارشاد اسلامی منتشر می شوند، وارد آورد، چنین خصمانه بر حزب توده ایران که صداقت و صمیمیت خویش را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به اثبات رسانیده است، بتازد و باز بی هیچ دلیلی، اقرار می کند «۴۰ ساله وابسته» را - که ساخته رژیم پهلوی است - در مورد آن تکرار کند!

دلیل این برخورد غیر مسئولانه چیست؟ درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا توطئه هفتم خویش را برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا گذارده و دستهای مشکوکی در گوشه و کنار کشور تفرقه می برانند، صحبت از «لغو امتیاز ارکن مرکزی حزب توده ایران، که همواره افشاگر توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن بوده است، بسود بیشک سخنان آقای صادق بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و بسود اتحاد نیروهای انقلابی علیه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن نیست. چنین سخنانی شایسته یک مقام مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز نیست. مقامی چون معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی باید در جهت تقویت و حمایت از مطبوعات انقلابی و متعهد و علیه مطبوعات تفرقه افکن و ضد انقلابی گام بردارد و چنان سخن بگوید و طوری عمل کند که ضد انقلاب نتواند از آن سوء استفاده کند. ما امیدواریم که آقای صادق در قضاوت خود درباره حزب توده ایران و نشریات آن، تجدید نظر کند، زیرا نشریات حزب توده ایران، بشهادت صفحات آن، با پیگیری و سرسختی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده اند و خواهند کرد. لذا حفظ این نشریات فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

طبق قرارداد جدید اقتصادی بین دو کشور

اتحاد شوروی به افغانستان در راه کسب استقلال اقتصادی خود یاری می کند

اسناد همکاریهای جدید اقتصادی بین اتحاد شوروی و جمهوری دیمکراتیک افغانستان به امضاء رسید. طبق مندرجات این اسناد، اتحاد شوروی در ساختمان چندین واحد صنعتی و واحدهای تولیدی دیگر در افغانستان مشارکت خواهد کرد. همچنین این کشور در ساختمان یک خط انتقال برق، یک کارخانه سازنده ماشین آلات کشاورزی و نیز در بازسازی شبکه های آبیاری، افغانستان را یاری خواهد داد. کارشناسان اتحاد شوروی در اکتشاف منابع گاز و استخراج نفت در شمال افغانستان، متخصصین افغانی را یاری می دهند و در تربیت کادر ملی به افغانستان انقلابی کمک می کنند. همچنین اتحاد شوروی چندین پارتی اتومبیل و اسناد همکاریهای جدید اقتصادی بین اتحاد شوروی و جمهوری دیمکراتیک افغانستان به امضاء رسید. طبق مندرجات این اسناد، اتحاد شوروی در ساختمان چندین واحد صنعتی و واحدهای تولیدی دیگر در افغانستان مشارکت خواهد کرد. همچنین این کشور در ساختمان یک خط انتقال برق، یک کارخانه سازنده ماشین آلات کشاورزی و نیز در بازسازی شبکه های آبیاری، افغانستان را یاری خواهد داد. کارشناسان اتحاد شوروی در اکتشاف منابع گاز و استخراج نفت در شمال افغانستان، متخصصین افغانی را یاری می دهند و در تربیت کادر ملی به افغانستان انقلابی کمک می کنند. همچنین اتحاد شوروی چندین پارتی اتومبیل و

باید برای صلح بجنگیم

باید برای بارش باران
باید برای گل
باید برای رشد بهاران
باید برای غلغلۀ آشیانه ها
باید برای عید بجنگیم

باید برای خانه تو آشیان من
باید برای میهن
باید برای عشق بجنگیم

باید برای کودک فردا
باید برای دوست
باید برای شادی، آزادی،
باداد زیستن

باید برای صلح بجنگیم
طارم سربلند - ۵۹۲۲۲

مردم آمریکا...

بقیه از صفحه ۱

در دست داشت. هزاران پلاکارد در میدان موج میخورد، که در آنها مردم قهرمان تهران پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی اعلام کرده بودند. میدان بزرگ از طنین شعارها می لرزید:

- مرگ بر آمریکا!
- مرگ بر ریگان!

مردم همچنین شعار میدادند:

- خمینی روح خدا، فرمانده کل قوا!
- رهبری خمینی اساس وحدت ماست!

در این مراسم جلال الدین فارسی سخنرانی کرد. او از جمله گفت:

«یک راه دیگر برای حذف روحانیت این است که در برابر روحانیون انقلابی و متعهد، روحانی نمایانی بترانند و به خدمت خود بگیرند. قدرتهای استعماری برای اینکه بتوانند روحانیت مبارز را از بین ببرند روحانیون قلابی میسازند.»

مردم همچنین شعار میدادند:

- تفرقه و جدائی، سلاح آمریکائی!

بر اساس گزارش خبرنگاران، نامه «مردم» از تبریز، شیراز، اصفهان، آبادان، رشت، مشهد، رودسر، زنجان و دیگر شهرهای کشور، مردم سراسر ایران در راهبیمائیهای عظیم خود پشتیبانی خود را از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی اعلام کردند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

در حالیکه کشور ما در وضعی بس میرسد که امپریالیسم آمریکا هر آن درصدد ایجاد تشنج و درگیری است و در شرایطی که وزارت کشور رسماً هرگونه راهبیمائی را ممنوع کرده است، انجام این راهبیمائی و کوشش برای ایجاد درگیری و اغتشاش، مستقیماً مطابق نقشه امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن ذهن مردم ایران از دشمن اصلی است. در حالیکه امروز آرامش برای ما لازم تر از همه چیز است، این راهبیمائی تحریک آمیز، که اقدامی است در جهت اغتشاش و درگیری، یک خیانت است، جزئی است از یک توطئه خطرناک براندازی، که آمریکا علیه انقلاب ما تدارک می بیند.

افغانی ها...

بقیه از صفحه ۱

تهران، در خطبه نماز جمعه ۵ دی گفت:

«آمریکا از حمله صدام مایوس شده است و درصدد حمله دیگری برآمده: ایجاد درگیریها و اغتشاشها.»

امام جمعه تهران افزود: «دشمن اگر بتواند اغتشاشهای داخلی بوجود بیاورد، چه در شهرها، در جاده ها و در روستاها، به موفقیت خود نزدیک شده.»

امام جمعه تهران صریحاً گفت: «بدانید هرکسی شورش، اغتشاش، درگیری و کوچک، یا مقدمات آنرا به وجود بیاورد، به اسلام و مسلمین و جمهوری و امام این امت خیانت کرده است.»

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران هم درست در ارتباط با نقشه امپریالیسم آمریکا برای اغتشاش و درگیری، در دیدار روز ۴ دی با انجمن های اسلامی کسبه مشهد گفتند:

«امروز آنچه برای ما از همه چیز لازم تر است، آرامش است.»

وزیر کشور هم برای جلوگیری از توطئه های دشمن، در اطلاعیه ای که روز جمعه ۵ دی منتشر شد، اعلام کرد: هرگونه راهبیمائی و تشنج و اغتشاش در این موقعیت حساس بفتح دشمن است و به هیچ وجه قابل اغماض نیست.»

وزیر کشور هرگونه راهبیمائی و تشنج و اغتشاش بدون کسب مجوز را ممنوع دانست.

علیرغم سخنان رهبر انقلاب و امام جمعه تهران و برخلاف دستور وزیر کشور، صبح شنبه گروهی از افغانی های وابسته به حزب «حرکت اسلامی افغانستان» که رهبر آمریکایی آن برهان الدین ربانی، تاجیکستان امسال به دست بوس سادات رفته بود، در حالیکه توسط مأمورین امنیتی آمریکا «رنجر» سازمان داده شده بودند، از پل چوبی تویخانه به حرکت درآمدند و در حالیکه می کوشیدند با ایجاد درگیری، خیابانها را به اغتشاش بکشند، به راهبیمائی پرداختند. پاسداران چندبار کوشیدند آنها را متوقف کنند، اما موفق نشدند و آنها براه خود ادامه دادند و خود را به سفارت اتحاد شوروی رساندند و داخل آن شدند. در این موقع پاسداران آنها را از سفارت بیرون کردند.

با آنچه که در آغاز یادآوری شد، نمیتوان تردید کرد که، با این عمل، «دشمن» به موفقیت نزدیک شده.»

در حالیکه کشور ما در وضعی بس میرسد که امپریالیسم آمریکا هر آن درصدد ایجاد تشنج و درگیری است و در شرایطی که وزارت کشور رسماً هرگونه راهبیمائی را ممنوع کرده است، انجام این راهبیمائی و کوشش برای ایجاد درگیری و اغتشاش، مستقیماً مطابق نقشه امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن ذهن مردم ایران از دشمن اصلی است. در حالیکه امروز آرامش برای ما لازم تر از همه چیز است، این راهبیمائی تحریک آمیز، که اقدامی است در جهت اغتشاش و درگیری، یک خیانت است، جزئی است از یک توطئه خطرناک براندازی، که آمریکا علیه انقلاب ما تدارک می بیند.

در این روزها به نظر می رسد که لازم است باردیگر مسئله استقلال مسئله آزادی، مفهوم هر یک از آنها، رابطه بین آنها، تشخیص عمده ترین آنها، تناسب نیرویی که برای کسب و تامین هر یک از آنها باید به کار رود مطرح کنیم، تا "فرشته" آزادی، باگسترده بالهای زیبای خود، نتواند انتظار خلق انقلابی ما را از استقلال، که عمده ترین هدف انقلاب آزادیبخش ماست، چنان به خود جلب کند که فتوری در مبارزه قاطع و پیگیر به خاطر استقلال رخ دهد، چون که در چنین صورتی، انقلاب پیروزمند ما در معرض خطری جدی قرار می گیرد، و چنانچه انقلاب ما دچار شکست گردد، دوباره نه فقط از استقلال، بلکه از آزادی نیز، که دستاوردی عظیم و گرانبهاست، اثری بر جای نخواهد ماند.

مفهوم استقلال

مفهوم استقلال روشن است و دشمن استقلال مانیز معلوم. مفهوم استقلال، یعنی رهایی از اسارت، یعنی عدم وابستگی در عرصه های سیاسی، اقتصادی نظامی، مالی، فرهنگی و تمام دیگر شعبون زندگی، یعنی کسب امکان تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرای آنها به سود ترقی همه جانبه مادی و معنوی خلق و کشور خودمان.

بدیهی است که این استقلال و مبارزه برای تحقق آن، به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست، به معنای منزوی کردن کشور نیست، به معنای قطع رابطه با همه دیگرکشورها نیست. ما در این دنیا زندگی می کنیم و کشور ما در این دنیا قرار گرفته است و بنا بر این، رابطه ما با دیگر خلق ها و با دیگر کشورها، نه فقط امری است محتوم، بلکه ضرور - ضرور برای این که ما بتوانیم نیازمندی های خود را در عرصه های مختلف برای رشد موزون کشور خود برآورده سازیم و در عوض نیازمندی های دیگران را در حدود امکانات خود مرتفع کنیم.

ولی در برقراری این مناسبات، اولاً ما خود باید راساً و فارغ از هرگونه نفوذ و یا فشار غرض آلودی، تصمیم بگیریم، و ثانیاً این مناسبات باید بر مبنای احترام بی خدشه متقابل به حق حاکمیت ملی، بر مبنای برابری کامل حقوق و نفع متقابل عادلانه برقرار شود. چنین است مفهوم استقلال.

دشمن استقلال ما، و نه فقط ما، دشمن استقلال تمام خلقها و کشورهای جهان نیز معلوم است. این دشمن، امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. امپریالیسم مرحله عالی رشد سرمایه داری، مرحله سرمایه داری انحصارگر و در نتیجه مرحله حاداعلی غارتگری و بهره کشی از زحمتکشان "خودی" و حاداعلی آزمندی و حرص در جباول ثروت طبیعی و دسترنج خلقهای دیگر، حاداعلی استمگرمی و تجاوزگری، حاداعلی طفیلی گری مادی و فساد معنوی و اخلاقی است، و لذا این سرمایه داری امپریالیستی، بدون

غارتگری، سلطه جوئی، اسارت دیگر خلقها، نظامیگری و تشنج آفرینی و جنگ افروزی و جنگ طلبی نمی تواند به حیات رو به زوال و انحطاط خود، به زندگی بحران زده خود ادامه دهد. از بین کشورهای امپریالیستی، ایالات متحده آمریکا تواناترین آنها و لذا غارتگرترین و جنایتکارترین آنهاست، که به زاندارم بین المللی معروف شده، و به درستی معروف شده، زیرا این دولت غدار و هار و جهانخواه امپریالیستی، با گماشتن دست نشاندهگان فرمانبردار خود در راس حکومتها و یا مستقیماً با قوه قهریه همه جای دنیا را می خواهد زیر سلطه خود درآورد و همه را به زنجیر بکشد و همه را تا آخرین رقیق بجاید. امپریالیسم دشمن خلق و کشورماست، که ما با تجربه تلخ دوران حکومت دست نشانده استبداد رضا خانی به سرکردگی انگلستان، و سپس در دوران

حکومتی نوع فاشیستی نیز وجود دارد، منتها برای آن طبقه حاکمه ای که آزادیها را به انحصار خود درآورده و آنها را از دیگر طبقات سلب کرده است. در حکومت "آریسمهری"، که یکی از خشن ترین حکومتهای پلیسی - نظامی بود، نیز سرمایه داران بزرگ وابسته و بزرگ مالکان از حد اکثر آزادی بهره مند بودند. آنها آزادانه زحمتکشان را با خشونت استثمار میکردند، آزادانه ثروت کشور را می چابیدند، آزادانه به تنوع - آورتترین و کثیف ترین نوع عیاشی های محله های بدنام اروپای غربی و آمریکا مشغول بودند، آزادانه مجلس قلابی، حزب قلابی، سندیکای قلابی، مطبوعات، تباگو و دروغ پردازی، تبلیغات مبتذل ضد کمونیستی به راه می انداختند. در آن کشورهای سرمایه داری، که حکومتهای به اصطلاح دمکراتیک دارند نیز، البته نه به این خشونت و فضاخت، ولی در

نوسازی کشور به سود خلق باقی نخواهد ماند. مطلب را از دیدگاه دشمن - امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا - بررسی کنیم، تا روشن تر شود: هدف آمریکا - دشمن اصلی انقلاب ما، کدام است؟ آمریکا می خواهد استقلال را از ما بازپس گیرد. می خواهد دوباره سلطه خود را در کشور ما برقرار کند. آمریکا برای نیل به این هدف، همه امکانات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی، همه نیروها و توطئه ها را بکار بسته و بکار خواهد بست. آمریکا برای رسیدن به این هدف، اگر نتواند یک رژیم نوع "آریسمهری" برقرار کند، حاضر است حکومتی ظاهراً "دمکراتیک"، ولی در خدمت سلطه غارتگرانهاش به روی کار آورد. اگر فراموش کار نباشیم، می توانیم بیاد آوریم که به هنگام نضج انقلاب، آنگاه که خطر سقوط رژیم شاه ملعون محسوس شده بود، آمریکا وعده "فضای باز" می داد و بختیار - این نوکر بی اختیارش، می گفت که می خواهد در ایران "سوسیال دمکراسی" برقرار کند! یعنی آمریکا، که در عین حال در کار تهیه کودتای خونینی بود، این امکان را نیز می خواست - در صورت عدم امکان شکستن قهر آمیز انقلاب - برای خود محفوظ نگاه دارد که یک حکومت ظاهراً "دمکراتیک"، ولی طرفدار سلطه آمریکا در ایران به روی کار آورد و از این طریق انقلاب را بشکند. امید آمریکا به اجرای این نقشه، از وجود آن قشری از بورژوازی ایران ناسی بود که با استبداد مطلقه مخالف بود، ولی با وابستگی ایران مخالف نبود. این قشر بورژوازی، که همان بورژوازی لیبرال است، با حکومت استبداد مطلقه از این جهت مخالف بود، که رژیم شاه "عدالت" را در تقسیم غارت رعایت نمی کرد. هرچه ثروت و حاصل بهره کشی از زحمتکشان بود، با مستقیماً به انحصارات امپریالیستی و پاپه شرکا ایرانی آنها - سرمایه داران بزرگ وابسته و بزرگ مالکان می داد، که در راس آنها دربار پهلوی قرار داشت. بورژوازی لیبرال "آزادی" می خواست، برای خودش و نه برای مردم، نه برای خلق زحمتکش، "آزادی" می خواست برای رشد خودش، بهره کشی بیشتر، برداشت سهم بیشتری از آن چه که انحصارات امپریالیستی، درباریان، سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان در شرکت با یکدیگر جاکم "آزادی خواه"، در جریان مبارزه ای که رو به تشدید می رفت، ابتدا خواستار شاهی "عادل تر" بود، بعد خواستار شد که "شاه سلطنت کند و نه حکومت"، بعد خواستار اجرای وعده "فضای باز" سیاسی شد، و چون همواره امواج انقلاب طوفانده، خروشان تر می شد، انقلاب ۶ مرحله ای "پیشنهاد کرد که طبق آن، "گام به گام" حکومت از شاه به شورای سلطنتی، بعد به ولیعهد برسد و بعد با انتخاباتی و مجلس مؤسسانی، رژیم جمهوری بجای سلطنت برقرار شود و بعد... خلاصه آن همان آتش باشد، منتها در گام "دمکراتیک"، که بورژوازی لیبرال نیز بتواند از آن جمعه های درخور اشتهاش بردارد. ولی قیام انقلابی خلق، با شرکت همه نیروهای راستین انقلابی، به رهبری قاطعانه و مدبرانه امام خمینی، با قربانی دادن ۷۵ هزار تن از بهترین فرزندان خلق، به پیروزی رسید و سلطنت استبدادی را به یالهدان تاریخ انداخت و نقشه آمریکا و بورژوازی لیبرال را عقیم گذاشت.

بعد از پیروزی انقلاب نبر بورژوازی لیبرال "آزادی خواه"، از یک سو کوشید آزادی های که انقلاب پیروزمند به بار آورده بود، به خود منحصر کند، یعنی فقط آزادی را برای احزاب بورژوازی مجاز بداند، آن احزاب و سازمان هایی را، که از منافع توده های خلق زحمتکش دفاع می کردند، از آزادی محروم کند، از جمله "قوانین" دوران شاه سفاک و وطن فروش رانست به حزب توده، ایران باقی و جاری بداند، از پیدایش دیگر احزاب سازمان های سیاسی مدافع مستضعفان جلوگیری و از سوی دیگر وابستگی را "به دلیل وابستگی"، حفظ کند، ضد انقلاب را از بقیه در صفحه ۶

محتوا و اهداف انقلاب بزرگ ایران ما، که با قیام یکبارچه خلق قهرمان ما انجام گرفته، کدامینند، تا بتوانیم به مطالبی که در آغاز مقال مطرح کردیم، بپردازیم.

محتوای انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران و جنبه اصلی نبرد برای دسترسی به اهداف آن

انقلاب بزرگ و شکوهمند کشور ما، که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی، با جهش انفجارگونه خلق انجام گرفت و رژیم دست نشانده سفاک شاه ملعون را وازگون ساخت، دارای محتوای ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی بود، یعنی هدفش تامین استقلال کشور، تامین آزادی ها و حقوق دمکراتیک تامین زمینه نوسازی کشور به سود خلق زحمتکش بود و هست. وازگون ساختن رژیم جاکم استبداد مطلقه، که به درستی نخستین مرحله پیروزی ارزیابی شد، در واقع شکستن سدی بود برای دسترسی به هدف اصلی انقلاب، یعنی ایجاد امکان برای انجام "انقلابی بزرگ تراز انقلاب اول" برای کندن ریشه نفوذ اسارتگر امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای دسترسی به استقلال. پس در ارزیابی اولویت هدف هایی که انقلاب باید به آنها برسد، باید استقلال را هدف اول، آزادی ها و حقوق دمکراتیک را هدف دوم، نوسازی کشور به سود زحمتکشان را هدف سوم بدانیم. البته این نحوه شماره گذاری اولویت ها، به این معنی نیست که ما باید اول استقلال را بدست آوریم، سپس آزادی ها و حقوق بپردازیم به نوسازی کشور. مبارزه برای دسترسی به این هر سه هدف، جدا از یکدیگر نیست، توام با یکدیگر است و باید باشد، زیرا آنها مقوی یکدیگرند. به سخن دیگر، اگر مبارزه در راه رسیدن به هر یک از اهداف سه گانه ست و یا ناپیگیر شود، به مبارزه در راه دودف دیگر نیز لطمه می زند. در عین حال، این مطالب اساسی و گرهي را باید متوجه بود که، در این مبارزه انقلابی برای دسترسی به هر سه هدف، عمده قوا باید در جنبه نبرد اصلی - جنبه نبرد ضد - امپریالیستی، جنبه نبرد برای کسب استقلال است، زیرا دشمن اصلی انقلاب و خلق و کشور ما، امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، است، و ما اگر در این جنبه اصلی شکست بخوریم، هم دوباره استقلال خود را از دست می دهیم و زیر سلطه امپریالیسم قرار می گیریم، هم آزادی ها و حقوق دمکراتیکی که برای خلق کسب کرده ایم، بر باد می رود و هم بدیهی است که کمترین امکانی برای

استقلال و آزادی

هر حال این آزادی ها به کمک اهرم های قدرت حاکمه و دستگاه عظیم تبلیغاتی و پلیسی و قضائی و سیستم انتخاباتی و غیره، عملاً مورد بهره برداری طبقه حاکمه است و برای طبقات محکوم در عمل و با شیوه "بریدن سر با پنجه"، آزادی به حدی محدود و منته می شود که به "گاو و گوسفند" طبقه حاکمه گزندی نیادی وارد نیاید. تازه همین آزادی محدود را هم طبقات زحمتکش با مبارزه طولانی و به زور از طبقات حاکمه گرفته اند. به همین دلیل این آزادی های دمکراتیک، هر قدر هم محدود و منته شده باشند، برای طبقات محکوم، طبقات زحمتکش، دارای ارزش هستند و به همین دلیل زحمتکشان و احزاب سیاسی طبقات زحمتکش برای گسترش آنها، توسعه چارچوب آنها، شکستن محدودیت های آنها، پیگیر و مداوم مبارزه می کنند، زیرا می دانند که گرچه حکومت های نوع فاشیستی با حکومت های نوع "دمکراتیک" در کشورهای سرمایه داری، هر دو، از لحاظ مضمون، دیکتاتوری طبقه سرمایه دار حاکم است، ولی برخلاف حکومت های نوع فاشیستی، که هر نوع مبارزه را در راه رشد و تحول مترقی جامعه سد می کند، در حکومت های نوع "دمکراتیک"، راهی، هر چند باریکو بر سنگلاخ، و روزنه ای، هر چند تنگ و کم نور، باز است و از این روزنه می توان تنفس کرد و از آن کوره راه، گرچه به سختی، می توان راه پیچید. این واقعیت را نیز ناکفته نگذاریم که در دوران ما و در شرایط کنونی جهان، حکومت های نوع فاشیستی قابلیت بقای خود را از دست داده اند و بر روی بشکه باروت خشم انقلابی خلقها قرار دارند، که منفجر می شود، مانند رژیم سرنگان سیاه در یونان، رژیم سالزار در پرتغال، رژیم فرانکو در اسپانیا، رژیم "آریسمهری" در ایران، رژیم پلایت در کامبوجیا، رژیم سوموزا در نیکاراگوئه و غیره.

نکته دومی که باید در باره این آزادی های دمکراتیک در جوامع سرمایه داری گفت اینست که: برخلاف ادعای مبلغان بورژوازی، این آزادی ها "دمکراسی" نیست. اگر آزادی های دمکراتیک توام با حقوق دمکراتیک نباشد، در حقیقت فاقد محتوی جدی است. شما آزادی کار کنید، اما کار نیست و کسی مسئول تامین کار برای شما نیست. شما حق تحصیل دارید، اما به دلیل بی بضاعتی و یا فقدان مدرسه نمی توانید تحصیل کنید و هكذا. پس آزادی های دمکراتیک وقتی مضمون پیدای می کنند که توام با حقوق دمکراتیک گردند و این حقوق دمکراتیک، یعنی حق کار، حق استراحت، حق تحصیل، حق استفاده از خدمات بهداشتی و بهداشتی، حق مسکن، حق تامین مادی و معنوی در دوران پیری و یاز کار افتادگی، حق تامین زندگی مادر به هنگام بارداری، حق برابری بین زن و مرد در عرصه های اقتصادی، اجتماعی

حکومت دست نشانده استبدادی "آریسمهری" به سرکردگی آمریکا، آن را شناخته ایم، و چنان شناخته ایم که هیچ مشاطه گری نمی تواند چهره کریه و مخوف او را از نظر خلق غارت شده و زجر کشیده، بپوشاند.

مفهوم آزادی

و اما مفهوم آزادی چیست؟ برای بیان مفهوم آزادی، قبل از هر چیز باید آنرا از مفهوم "هرج و مرج" جدا کرد. اگر کسی به نام "آزادی" نیمه شب در کوچه عربده بکشد، از دیوار خانه دیگران بالا برود، این آن را در معرض تهمت و افترا قرار دهد، به دفتر این یا آن روزنامه حمله برد و آن را زیر زبر کند، البته او آزادی خواه نیست، هرج و مرج - طلب است.

ولی آزادی معمولاً به مفهوم آزادی مطلق، یعنی به معنای هرج و مرج به کار نمی رود. مفهوم آزادی در فرهنگ سیاسی متداول به معنای آزادی های دمکراتیک، به معنای آزادیهای فردی و اجتماعی در محدوده قانون، به معنای آزادی در داشتن عقیده و بیان عقیده، آزادی اجتماعات، احزاب سیاسی، سندیکاها، صنفی، قلم و مطبوعات، انتخابات و امثال اینهاست.

در مورد این آزادیها، که بورژوازی عموماً و بورژوازی لیبرال (از جمله در کشور ما) خصوصاً، آن را به عنوان "دموکراسی" عرضه می دارد، دو نکته مهم گفتنی است:

نکته اول اینکه: این آزادیها در جوامع طبقاتی، مضمون طبقاتی دارد. این آزادیها در خشن ترین نظام های آزادی های دمکراتیک در جوامع سرمایه داری، که باید در باره این آزادی های دمکراتیک در جوامع سرمایه داری گفت اینست که: برخلاف ادعای مبلغان بورژوازی، این آزادی ها "دمکراسی" نیست. اگر آزادی های دمکراتیک توام با حقوق دمکراتیک نباشد، در حقیقت فاقد محتوی جدی است. شما آزادی کار کنید، اما کار نیست و کسی مسئول تامین کار برای شما نیست. شما حق تحصیل دارید، اما به دلیل بی بضاعتی و یا فقدان مدرسه نمی توانید تحصیل کنید و هكذا. پس آزادی های دمکراتیک وقتی مضمون پیدای می کنند که توام با حقوق دمکراتیک گردند و این حقوق دمکراتیک، یعنی حق کار، حق استراحت، حق تحصیل، حق استفاده از خدمات بهداشتی و بهداشتی، حق مسکن، حق تامین مادی و معنوی در دوران پیری و یاز کار افتادگی، حق تامین زندگی مادر به هنگام بارداری، حق برابری بین زن و مرد در عرصه های اقتصادی، اجتماعی



شیطان بزرگ آمریکا و شیاطین کوچک در منطقه و مزدوران آنان در داخل ایران در کمینند، علیه آنان متحد شویم.

نفنگران: این رگهای پر خون انقلاب

دروغ بر کارگر نفت ما مدافع دیروز و سرسخت ما

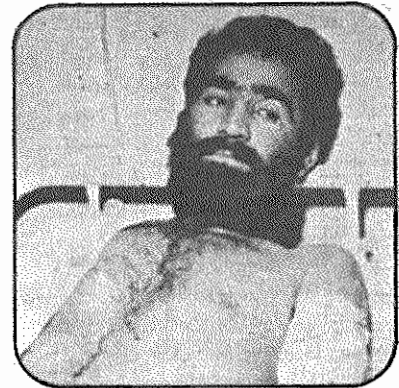
کشف منابع عظیم نفتی در ایران، که دارای اهمیت عظیم اقتصادی، نظامی و استراتژیک است، توجه امپریالیست ها را به خود جلب کرده تا با بهره برداری از آن به مقاصد شوم و استعمارگرانه خود دست یابند، به همین دلیل امپریالیست ها کشور ما را به یکی از بزرگ ترین منابع غارت خود تبدیل کردند و برای حفظ و ادامه این غارت، انواع فشارها و تضيیقات را بر کارگران میهن مان و از جمله وبه ویژه کارگران نفت وارد آوردند، کارگران نیز برای مقابله با امپریالیست ها و اعمال فشار آن ها و برای بدست آوردن استقلال کشور به مبارزه پرداختند. در سال ۱۳۵۸، کارگران نفت اولین اعتصاب بزرگ کارگری را، که خصلت ضد امپریالیستی داشت، به راه انداختند. در سال ۱۳۲۵، نفنگران از پیشگامان جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران بودند، که علاوه بر خواست های صنفی، خواست های سیاسی را نیز علیه شرکت غاصب انگلیسی نفت مطرح کردند، اعتصاب اواخر سال ۱۳۲۹ و اوایل سال ۱۳۳۰، نفنگران جنوب عامل بزرگی در تصویب قانون ملی شدن نفت و سپردن زمام دولت به دکتر محمد مصدق بود.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز این مبارزه ادامه یافت که به طور عمده می توان از اعتصابات کارگران نفت در سال های ۱۳۳۴، ۱۳۴۰، ۱۳۴۲، ۱۳۴۴، اعتصاب ۴۰ روزه سال ۱۳۵۲ و بالاخره اعتصاب بزرگ سال ۱۳۵۷، که نقش تعیین کننده را در سرنگونی رژیم شاه ملعون ایفا کرد، نام برد. نفنگران قهرمان دست یابی به حقوق اولیه خویش را نیز همواره در گرو پیروزی در جنبه صافی - مبارزه با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا - دانسته اند و هر جا که پای انتخاب به میان آمده، مطالبات صنفی خود را چندی رها کرده و بیکار علیه امپریالیسم را با تمام وجود و همه نیروی خویش دنبال کرده اند.

امروز نیز دفاع از انقلاب اصل حرکت است. دفاع از انقلاب نیز به معنای خنثی کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه میهن انقلابی است. توطئه ها اشکال و ابعاد گوناگون دارند و هم اکنون از جمله در جنبه غرب و جنوب غربی، در قالب تجاوز آمریکایی رژیم صدام به میهن ما جلوه گر شده اند.

طبقه کارگر، به ویژه نفنگران، در حال حاضر درگیر این جنگ مرکوز زندگی شده اند و از تلفات،

هنوز دست راست، در خدمت انقلاب است!



نعمت اله محمدیان

"... ما موریت یافتیم که نان و آذوقه از دهات رامهرمز تهیه کرده و به جبهه اهواز برسانیم." در گرما گرم انجام وظیفه انقلابی حادثه او را در پیوسته... نعمت در کارخانه لوله سازی اهواز کار می کند و اکنون دست چپ او قطع شده است!

کارگران صنعت نفت:

با پوست و گوشت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنیم. با آمریکای چپانخور و شرکای امپریالیستش می جنگیم و پوزنه تجاوزگر را بیخاک می مالیم

ضایعات و عواقب مصیبت بار آن بیعی ندارند، این فرمان انقلاب است و بهترین فرزندان انقلاب آماده فداکاری تا حد ایثار جان برای دفاع از انقلاب اند.

نفنگران: چشم پیدار انقلاب

در شرایط کنونی، که دار و دسته جنایتکار پدر سیزده فرزند و یاور انقلاب



کریم تهما سبی

کارگر ۵۱ ساله شرکت ملی پخش در آبادان، دارای سیزده فرزند؛ سوار بر دوچرخه سرکایم می رفتم، که مورد اصابت خمپاره واقع شدم.

اگر دشمنان انقلاب او را هلاک کنند، سیزده فرزندش جای او را خواهند گرفت!

صدام حسین علیه رژیم جمهوری اسلامی وارد جنگ شده و دست به تجاوز زده است، کارگران صنعت نفت در کنار دیگر کارگران و پیشاپیش صفوف رزمندگان میهن مان آمادگی خود را برای دفع این تجاوز و مقابله با آن اعلام کرده اند و با تمام وجود کمک های بی دریغ خود را به جبهه فرستاده اند و فعالانه در جنگ شرکت می کنند.

کارگران در سراسر کشور با تشکیل کمیته های دفاع و اعزام داوطلبین و منقضی خدمت های ۵۶، چون دیگر مردم میهن مان، فعالانه در صفوف اول جبهه به نبرد با دشمن متجاوز مشغولند. تاکنون بسیاری از آن ها شهید و گروه کثیری زخمی شده اند. نفنگران در پشت جبهه از کار باز نایستاده اند.

در راه دفاع از پالایشگاه آبادان



محمد میرحاجی ورزنه

"۳۵ سال است که در صنعت نفت کار می کنم... در تاریخ ۲۲ مهر ماه... مشغول ترمیم خرابی های ناشی از بمباران هوایی پالایشگاه آبادان بودیم. ناگهان حملات هوایی شروع شد. به چشم خود دیدم که تعدادی از همکارانم در اثر رگبار مسلسل ها به زمین دوخته شدند..."

و به دفاع از انقلاب برخاسته اند. در تاریخ ۵۹/۹/۱۱ جلسه ای از طرف اداره تدارکات و کالای شرکت ملی نفت با حضور نمایندگان کارگران پخش و خطوط لوله نفت تهران و سایر شهرستان ها تشکیل شد، در حالی که نمایندگان از موضوع جلسه اطلاعی نداشتند!

مسئولین تدارکات و کالا موضوع جلسه را در مورد لباس کارگران اعلام کردند و چند نوع پارچه را به کارگران عرضه داشتند و گفتند که مسئولان برای خرید هفتاد هزار متر پارچه جهت تهیه لباس کارگران، با شرکت های بافنده تماس گرفته و آن را به مناقصه گذاشته اند و تمام کارها نیز انجام گرفته است.

نمایندگان کارگران به اتفاق آراء گفتند که در شرایط جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا به ایران، لباس نمی خواهند و مسئولین این موضوع، که بدون اطلاع و مشورت کارگران صورت گرفته، با خود مسئولین خواهد بود.

یکی از نمایندگان در این مورد گفت: "آن ها (مسئولین) می خواهند بگویند که کارگران در اوضاع کنونی خواست هایی دارند و به ما فشار می آورند. به همین دلیل ما کارگران با اتفاق گفتیم که فعلا لباس نمی خواهیم." کارگران همچنین از خواست های خود در این شرایط حرفی به میان نیاوردند و آن را به بعد موکول کردند.

نفنگران و چشم پوشی از خواست های شرع و اخلاق جنگ

وزارت نفت طی بخشنامه ای شکر را از جیره خواروبار کارگران حذف کرد. این بخش نامه مورد اعتراض نفنگران قرار گرفت. از جمله هیئت مدیره "سندیکای خطوط لوله و مخابرات نفتی" طی نامه ای خطاب به مدیر پخش و خطوط لوله و مخابرات، در این زمینه نظر خود را چنین اعلام کرد:

"بر طبق بخشنامه اخیر که از طرف وزارت صادر گردید (مبنی بر لغو شکر از جیره خواروبار کارگران) به استحضار می رساند که ما کارگران با گوشت و پوست و خون خود از انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع کرده و در راه تداوم انقلاب بزرگ مان و جنگ سرنوشت ساز با دشمن متجاوز، صدام آمریکایی، از هیچ گونه از خود گذشتگی و فداکاری دریغ نمی ورزیم.

ولی طبق جلسات مختلفی که با مسئولین در صنعت نفت داشتیم، ما کار را خواستیم مسائلی

تا واپسین لحظه، تا آخرین قطره خون

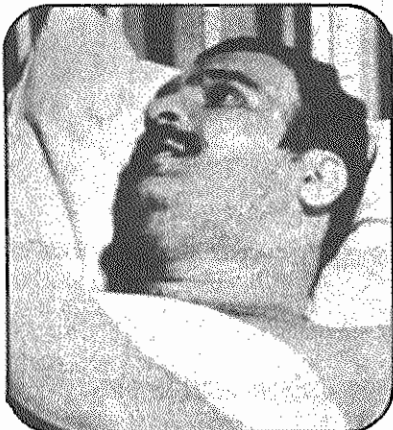


اسداله اسماعیلی

"کارگر قسمت تعمیرات اداره حمل و نقل پالایشگاه آبادان هستم. در تاریخ سوم آبان مشغول انجام وظیفه بودم که ترکش خمپاره..."

را که مربوط به کارگران است با نمایندگان آن هادر جریان بگذارند و موافقت نیز شد. ولی اخیرا بخش نامه ای از طرف وزارت نفت صادر گردیده است که بدون کوچکترین اطلاع ما نمایندگان می باشد. و این خود به عناصر فرصت طلب و ستون پنجم دشمن امکان می دهد که بتواند از این مسائل علیه انقلاب استفاده کند و تبلیغات ناصواب خود را به جمع زحمتکشان شریف در صنعت برده و برای نمونه تبلیغ نماید که وزارت خانه های مهنوز اصلاح نشده و به شیوه طاغوتی عمل می کند و کارگران را در مسائل مربوط به خود شرکت نمی دهند و هنوز تصمیمات پشت درهای بسته اتخاذ می شود.

در راه بقای پالایشگاه تبریز هر دو پایش را از دست داد



مهندس خسرو یعقوب آذری

"بعد از اینکه پالایشگاه تبریز برای دومین بار بمباران شد، طی جلسه ای قرار بر این شد که به منظور جلوگیری از کمبود مواد سوختی و همچنین تهیه مقداری بنزین هواپیما، پالایشگاه دوباره شروع به کار کند و این مسئولیت به عهده من واگذار شد. با کمک همکاران همه کارها به سرعت آغاز شد و به جریان افتاد.

بر روی نقشه ای که مربوط به کنترل برق بود، کاری کردم. صدای انفجاری بگوشم رسید، که بلافاصله فاصله بروی زمین خوابیدم، ولی با انفجار بعدی خودم را روی هوا دادم و ۵، ۶ متر آن طرف تر با صورت به زمین خوردم و هردو پایم قطع شد."

لذا ما ضمن اعتراض به بخشنامه اخیر از مسئولین در صنعت نفت می خواهیم که قبل از اخذ هرگونه تصمیمی در رابطه با مسائل کارگری، با نمایندگان قانونی آن ها همکاری نمایند. در ضمن ما خواستاریم بخش نامه اخیر به صورتی تنظیم گردد که لغو شکر از جیره خواروبار، که از حقوق بقیه در صفحه ۶

از خط لوله شاهرود تا خط اول جبهه



محمد رضا قنبریان

کارگر خط لوله شاهرود، داوطلبانه به جبهه غرب رفت. در یک عملیات تهاجمی، ضمن تعقیب دشمن، بر اثر انفجار مین زخمی شد و اکنون "در آرزوی بهبودی و بازگشت به جبهه". دشمن در برابر این کوه های مقاومت چه ضعیف و زبون است!

کارگران صنعت نفت با ازجان گذشتگی و فعالیت پرثمر خود در مناطق جنگ زده و زیر بمباران تجاوزگران صدامی، برای دفاع از میهن انقلابی و حفظ جمهوری اسلامی ایران، به باز سازی و نوسازی خرابیها می پردازند و هر چه را که در توان دارند، در جبهه و پشت جبهه به کمک می گیرند.

کارگران نفتگر نمونه های شکوفان طبقه کارگر در مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی ایران هستند، که با آگاهی سیاسی خود توطئه های شیطان بزرگ - آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش را درهم می کوبند.

ادامه کار هیئت های هفت نفری علیرغم همه توطئه ها، مشکلات، تضییقات و اعمال فشارها

انجام اصلاحات ارضی به طور کامل و قاطع - تا نابودی بزرگ مالکسی و زمین دار شدن همه دهقانان تهیدست - مسئله ای حیاتی است. اینک دیگر کسی نیست که اهمیت آن را برای حیات و سرنوشت انقلاب درک نکند. اگر کسی مخالف انقلاب باشد، آرزومند است که اصلاحات ارضی انجام نشود، تا بزرگ مالکی، این دمل چرکین - طاغوت و وابستگی و فساد باقی بماند، زمین به دهقانان واگذار نشود، تا این میلیون ها نفر امیدهای خود را بر بادرفته ببینند و ناراضی و دل سرد شوند و انقلاب یک پایگاه عظیم مردمی خود را از دست بدهد. اما آن کس که موافق انقلاب است، آرزومند است که هرچه قاطع تر و زودتر این عمل انقلابی به سرانجام پیروزمند خود برسد و دست تبهکار و غارتگر اربابان و زمینداران بزرگ از جان دهات و دهاتی ها و کشاورزی کوتاه شود، تا استقلال و سلامت کشور حفظ شود و از درون گزند پذیر نباشد، حق به حقیق در برسد و این میلیون ها مستضعف که حاضرند در راه انقلاب جان دهند و عملاً در راه دفاع از جمهوری اسلامی ایران خون می دهند، انتظارات خویش را از انقلاب برآورده ببینند.

به همین جهت است که مسئله حیاتی و سرنوشت ساز واگذاری زمین به دهقانان اینک دیگر به هیچ وجه منحصر به خود دهقانان و یادست - اندر کاران اقتصاد کشاورزی میهن انقلابی ما نیست، بلکه مسئله ای است اساسی از مسائل بزرگ انقلاب ایران و مورد توجه کلیه انقلابیون. به همین جهت است که ادامه کار و فعالیت هیئت های ۷ نفری، که ما مورداً اجرای قانون هستند، این همه مورد نظر انقلابیون و این همه مورد بغض و کینه ضد انقلابیون، مالکان بزرگ، لیبرال ها و روحانی نمایان ضد خط امام است.

اعلام تعویق موقتی "بند ج" قانون مصوب شورای انقلاب، که نقطه گری و حلقه اساسی قانون ناظر به از بین رفتن بزرگ مالکی است، برای انقلابیون اگرچه مایه تأسف شد، ولی روشن بوده و هست که شرایط اضطراری زمان جنگ و توجه به کشت سال جاری موجب گردید، تا یورش عظیم و همه جانبه بزرگ مالکان و وابستگان آنها - چه روحانی نمایان ضد خط امام و چه لیبرال های ضد خط امام - به نتیجه "تعویق موقتی" منجر گردد، اصلاحات ارضی را دچار نشیبی گذرا سازد و این عقب نشینی موقت را باعث می شود، ولی اگر بزرگ مالکان و عمال آنها فکر می کنند که دیگر در نبرد پیروز شده اند و انقلابیون را به تسلیم واداشته اند، باید صاف و ساده گفت که کور خوانده اند، انقلاب ایران به پیش می رود و علیرغم دشواری هایی که شیطان بزرگ بر سر راه آن ایجاد می کند (جنگ تجاوزکارانه، محاصره اقتصادی، کمبود و شیطانی - های کوچک از آن استفاده می کنند - بزرگ مالکان، واسطه ها، محتکرین، سرمایه داران زالوصفت)، بالاخره سدها شکسته خواهد شد. سده بزرگ مالکی نیز بدون تردید و قاطعانه از بین خواهد رفت و راه اصلاحات ارضی، بجزودی، فراز حیات بخش خود را باز خواهد یافت.

"مانه طرفدار فتودال هستیم نه هوادار سرمایه دارها" - این گفته امام خمینی سدهای موجود و موضع انقلاب و پیروان خط امام را در برابران نشان می دهد. بیپرده اربابان تلاش می کنند، به قول معروف، چرخ تاریخ را به عقب برگردانند و انقلاب را به بیراهه بزنند، تا آنرا به منجلاب نابودی بکشانند.

نه فقط ما بر این شرایط اضطراری فائق خواهیم آمد و دوران گذرای نشیب و تعویق موقت پایان خواهد

یافت، بلکه هم اکنون نیز اولاً در همه جا باید بگوئیم "مناطق مساعد" را برای ادامه کار هیئت های هفت نفری بیابیم. ثانیاً هیئت ها نه فقط در موارد بند های "الف" و "ب" باید کاملاً فعال باشند، بلکه اثبات این امر که اراضی بزرگ مالکی غالباً غصبی است و اسناد مالکیت تقلبی است و املاک تصرف عدوانی است و بنابراین می توانند و باید فوراً مشمول واگذاری قرار گیرد، از وظایف انقلابی هیئت ها است. ثالثاً هیئت ها وظیفه مقدس و بسیار فوری سازمان دادن کشت سال جاری را دارند و بنابراین تمام زمین های اربابی سند دار (!) ولی بایر گذاشته شده، یا زیر کشت برده نشده، یا تعدا به میزان ناکافی کشت شده و برای ظاهر سازی بذریاشی سطحی و کم شده را، باید کشف کنند و کلیه آنها را زهم اکنون مشمول قانون قرار دهند. رابعاً در تمام مناطقی که اربابان زد و خورد و تشنج می آفرینند و می خواهند کانون و خامت و ناآرامی و ناراضی ایجاد کنند، دست هیئت ها برای جلوگیری از این اقدامات آشکارا ضد انقلابی باز خواهد بود و زمین ها می توانند فوراً مشمول قانون واگذاری واقع شود.

بنابراین حتی قبل از این که تعویق موقتی "بند ج" پایان پذیرد و برای آخرین ریشه کنی قطعی این سبیل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، که بزرگ مالکی است، راه هموار شود، هیئت های ۷ نفری همچنان و هم اکنون دارای میدان وسیع عمل است. ما تردید نداریم که اکثریت مطلق و غالب زمین های اربابی از هم اکنون می تواند شامل این موارد شود. ما تردید نداریم که هیئت ها می توانند همچنان فعال و موثر عمل کنند و کم ترین سستی و فتوری در کارشان راه نیابد. ما تردید نداریم که دهقانان حتی در این شرایط جنگی، که جان جوانان خود و نان سفره خود را در راه جمهوری و انقلاب فدا می کنند، می توانند به عیان ببینند که امید آنها واهی نیست و انقلاب به فکر آنها هست و هیئت های هفت نفری به سود آنها در تلاشند، اگرچه تشنات لیبرال ها و روحانی نمایان ریزه خوار بزرگ مالکان، مشکلات موقتی بر سر راه انجام وظیفه بزرگ آنها ایجاد کرده است.

این اعتماد و امید بی پایه نیست. همین اخیراً که عمال چپ نمای فتودال ها و ضد انقلابیون آمریکایی مسلح در کردستان، سه تن از برادران هیئت هفت نفری را (همراه دو تن از برادران جهاد سازندگی) دستگیر کردند و به گروگان بردند، ستاد مرکزی واگذاری زمین، که رهبری همه هیئت ها را به عهده دارد، اعلامیه ای صادر کرد (۲۴ آذرماه ۵۹) و در آن با قدرت تمام اعلام کرد که:

"علیرغم همه توطئه ها، واگذاری زمین با قاطعیت ادامه می یابد."

ستاد نتیجه کار و فعالیت هیئت هفت نفری را به درستی "راهیسی از چنگال استثمار و فقر و عقب ماندگی اقتصادی" ارزیابی کرد؛ اعضای هیئت ها را به درستی "حامیان مستضعفین و روستائیان خاک نشین و خادمان مردم مستضعف" نام نهاد؛ عمل آن ها را "واگذاری عادلانه و اسلامی زمین و تحقق یکی از اصیل ترین خواست های مردم" و عمل مخالفان را "ضد انقلابی و دفاع از منافع آمریکا" توصیف کرد.

مردم انقلابی ایران و دهقانان، که صحت این ارزیابی ها را در عمل و با تجربه خود دریافته اند، هیئت های هفت نفری را یکی از نهادهای مهم و موثر انقلابی می شمرند. مردم می خواهند که از فقر و عقب ماندگی و استثمار راهی یابند، تا انقلاب تعمیق شود. مردم می خواهند که تشنات محافل حافظ بزرگ مالکی، که برابر با ضد انقلاب و دفاع از آمریکاست، عقیم بماند، تا یکی از اصیل ترین خواست

حکومت فتودال ها در روستای بنار سلیمانی و نقش شورای ده در دفاع از دهقانان

روستای بنار سلیمانی در ۲۵ کیلومتری شهرستان برازجان واقع است. جمعیت این روستا ۷۰۰ نفر است، که بیشتر آن ها کشاورز هستند و به صورت روزمزد روی زمین های فتودال ها کار می کنند.

در این روستا عده کمی صاحب زمین هستند، که به علت ناساعد بودن وضع کشاورزی، بهره خدانی از کار خود نمی برند.

با وجود گذشت حدود ۲ سال از پیروزی انقلاب، با کمال تأسف در این روستا هنوز هم حکومت خان خانی برقرار است. این روابط ظالمانه قبل از انقلاب با شدت بیشتری حاکم بود که بر اثر انقلاب اندکی تعدیل شد. اما به دلیل مسائل حل نشده ارضی تاکنون چندین بار در این روستا درگیری وجود آمده است. در حال حاضر بیشتر زمین های قابل کشت این روستا به کدخدا و پسرش تعلق دارد و روستائیان، که از داشتن زمین محرومند، باید روی زمین های کدخدا کار کنند.

حدود یک ماه قبل درگیری بین روستائیان به رهبری شورای ده و دارو دست کدخدا به اوج خود رسید و عمال کدخدا مسلحانه به

اهالی و خانه های آن ها حمله کردند. در نتیجه کار به دادگاه انقلاب بوشهر کشید. در این دادگاه مالک به یک سال، پسرش به ۵ ماه و رئیس شورای ده به یک ماه زندان محکوم گردیدند.

اکنون مردم روستای بنار سلیمانی که از این درگیری ها به تنگ آمده اند، خواستار اجرای دقیق و قاطع قانون و واگذاری زمین فتودال ها به دهقانان بی زمین و کم زمین هستند. هیئت ۷ نفری باید به این خواست منطقی کشاورزان بنار سلیمانی رسیدگی کند و هرچه زودتر ترتیب واگذاری زمین به دهقانان را بدهد. فتودال ها مایه شر و کانون تشنج و درگیری هستند. باید بساط خان خانی آن ها برچیده شود.

روستای بنار سلیمانی همچنین فاقد آب بهداشتی و درمانگاه است و مردم روستا در موارد ضروری باید به برازجان بروند. روستای مزبور برق هم ندارد و تنها مدرسه آن نیز فقط ۵ کلاس دارد. کودکان از ادامه تحصیل محروم هستند. مردم روستای بنار سلیمانی چشم به راه جهاد سازندگی هستند، تا به کمک این نهاد فعال انقلابی، روستای خود را آباد سازند.

آیت الله منتظری: هرگونه استثمار را به هر شکل، اقتصاد اسلامی، از بین میبرند. هر کس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده و حاصل کار هر کس باید به خودش بازگردد، نه اینکه طبقه ای دیگر دسترنج آنان را غصب نماید.

تقسیم زمین های بایر و موات در روستای قفر

روستای قفر در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی داران، در اسفهان قرار گرفته است. در این روستا دهقانان ۲ نفر نماینده خود را (مکمل هیئت ۵ نفری) که از زحمتکش ترین افراد روستا هستند، انتخاب کردند. این ۲ نفر با تلاش بسیار توانستند به کمک هیئت ۷ نفری داران زمینها را به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کنند. دهقانان زحمتکش داران همچنین با تلاش پیگیر هیئت ۷ نفری توانستند وام مورد نیاز خود را بگیرند و اقدام به فرج راه کنند. روستائیان کشت باغ نیز خود را بصورت دیمی انجام دادند. در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد و اراضی تقسیم شده، زمینهای بایر و موات هستند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی در این شرایط حساس گام بلندی است بسودا انقلاب این گام بلند باید تدارک وسایل کار برای کشاورزان زحمتکش و تهیدست تکمیل گردد. این کار هم موجب خشنودی دهقانان محروم میشود و هم به شکست تجار و زگران صدامی و خشن شدن تمام توطئه های آمریکا یاری خواهد رساند. علاوه بر این باید دهقانان را تشویق و ترغیب کرد که این اراضی را بصورت تعاونی کشت کنند. دهقانان زحمتکش نیز در تمام روستاهای کشورمان باید در این لحظه با تمام قدرت و توان به هیئت های ۷ نفری یاری رسانند. آفرین بر هیئت ۷ نفری داران!

نمی خورند. به جا بود و هست که دستگاه های تبلیغاتی این موضع گیری را نیز وسیعاً به اطلاع همگان برسانند.

مردم شیراز در ماده هفت قطعنامه راهپیمایی تاکید کردند که:

"ما پشتیبانی و حمایت خود را از طرح اسلامی تقسیم زمین اعلام می داریم."

این موضع گیری راهپیمایان شیراز نشان داد که مردم کاملاً هشیارند و می دانند که ریشه فاسد نزد مخالفان خط امام است و آنها در تلاش معطل گذاردن قانون هستند.

مردم لیبرال های مخالف خط امام را، که هیاهوی "وای آزادی!" بلند کرده اند و روحانی نمایان ضد خط امام را، که چماق تکفیر به دست گرفته اند، تا از منافع به خطر افتاده

مستکبرین دفاع کنند، به خوبی می شناسند. مردم می دانند و روز به روز بهتر بی میبندند که چه نبرد سرنوشت ساز حیاتی بین مداخله گران استکبار و خادمان مردم مستضعف درگیر است و چگونه باید در این هنگامه از خط امام دفاع کرد و آنرا به پیشبرد، دهقانان زحمتکش ما را میسر خواهد کرد.

اعضای هیئت های هفت نفری فداکار و خادم مردمند و با تأییدی که از آنها می شود، ثابت قدم تر و مصمم تر عمل خواهند کرد.

باشد تا هرچه زودتر دمل چرکین بزرگ مالکی، این پایگاه امپریالیسم و یاور طاغوت، برچیده شود و حق به حقدار و زمین به دهقان برسد.

استون پنجم آمریکا با این گونه اعمال خائنانه، خانها نمی توانند جلو پیشرفت انقلاب و پیاده کردن لایحه انقلابی واگذاری زمین را، که به نفع کشاورزان زحمتکش است، بگیرند، بلکه با این عمل ما را نسبت به اهداف اسلامی مان پایدار و استوار تر کرده و چهره گریه ضد انقلابی خود را بیشتر آشکار می سازد.

آری، هیچ نیرویی نمی تواند جلوی پیاده کردن لایحه را بگیرد و ضد انقلابی ها و ستون پنجم آمریکا، اربابان و عمالشان، هیچ غلطی نمی توانند بکنند.

در واقع هم بزرگ مالکان از اعلام تعویق موقتی سوء استفاده کردند، پرو بال گرفتند و خواستند که خود را فاتح نبرد جلوه دهند. منظور آن ها این بود که نه فقط دهقانان را ناراضی و ناامید کنند، بلکه اعضای هیئت ها را هم مایوس و دل سرد کنند و هیئت ها را از هم بپاشند و منحل کنند. آنها حتی شایعه راه انداخته اند که رهبر انقلاب، فقهای پیرو خط امام، ستاد زمین و مسئولان اصلاحات ارضی خودشان از اجرای قانون صرف نظر کرده اند و گویا سیاست "تغییر کرده و تسلیم" شده اند. اربابان و سخنگویان آنها کوشیدند که اعمال فشارها و یورش همه جانبه را زیر پرده بگذارند، تا عدهای روند وقایع را درک نکنند و در تحلیل اشتباه کنند و در تشخیص مقصر و بانی و مبتکر به خطاروند.

اما این تشنات نیز مفید واقع نشد. مثلاً مردم شیراز، که در آنجا مخالفت برخی مقامات روحانی با اصلاحات ارضی و "بند ج" و فشار فتودال ها و خوانین کاملاً آشکار بود و برخورد بین روحانیت پیرو خط امام با این مقامات برکمی پوشیده نبود، طی تظاهرات راهپیمایی جمعه ۲۱ آذر ۵۹ نشان دادند که به کینه و قیامت پی برده اند و فریب آن شرگرد را نیز

در مطبوعات کشور

تخطئه انقلاب بعد از دولت موقت

فوق العاده این نیروها هستیم. تا این جای قضیه مطلب غریبی به همراه ندارد. یک وزیر خارجه سابق از خودش و عملکرد گذشته اش دفاع و تعریف می کند و حتی هم نداریم که واقعا برخورد وزارت خارجه ما با عراق به مصلحت انقلاب اسلامی بوده است یا نه و آیا مسلمانان ستمکش و خیل شهدای عراق توقعی که از انقلاب اسلامی ایران داشته اند، همین بوده یا نه؟ و آیا با توجه به این که به قول خود آقای یزدی "حضور و استمرار انقلاب اسلامی برای صدام و اربابان آمریکایی اش قابل تحمل نیست" چنان برخوردی با عراق واقعا برای به دست آوردن فرصت لازم برای انسجام ارتش و نیروهای دیگر مسلح بوده است، یا به خاطر آن مشی معروف؟! صحبت سر این است که آقای یزدی از ارائه این مطلب منظور دیگری دارد و آن تخطئه سیر انقلاب اسلامی حین برکناری دولت موقت و بعد از آن است و وانمود کردن این مطلب که "اگر می گذاشتند ما بر سر کار میمانیم" امروزی غیر از این بود که هست!

(پیام انقلاب - ارگان سپاه پاسداران - ۲۹ آذر ماه ۵۹)

آقای دکتر یزدی با استفاده از موقعیت (سابق) خود در روزنامه پیر تیرازی مثل کیهان، زمان جنگ را مفتنم کرده و به دفاع و اعاده حیثیت از دولت موقت می پردازد. وی ضمن ارائه گزارشی از فعالیت های دیپلماسی وزارت خارجه دولت موقت در رابطه با عراق، بیسیان می کند که در راه انزوی عراق پیش می رفتیم و با عملکرد صحیح ما پشتیبانی اردن و برخی شیخ نشین ها از عراق متزلزل و این کشور وادار به مذاکره با ما گردید که یکبار با خود صدام و دوباره با وزیر خارجه آن ها مذاکره و با قاطعیت مواضع خودمان را بیان کردیم.

آقای یزدی در این سری مقالات خود متذکر میشوند که "حضور و استمرار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برای صدام و اربابان آمریکایی و صهیونیستی اش قابل تحمل نبوده و از همان ابتدای پیروزی انقلاب توطئه علیه انقلاب اسلامی را شروع کرد." در مقاله همچنین اشاره شده که برخورد نظامی با عراق در آن موقع به علت شرایط خاص ارتش و نیروهای نظامی ممکن نبود و دیپلماسی ما فرصت لازم را داده است و امروزه ما شاهد تحرک

آزادی لیبرال، یعنی آزادی غارت و کشتار

و اکنون روی سخن با لیبرال های شیفته غرب و گروه های مدافع حکومت مردم بر مردم است که این همه سنگ دموکراسی غربی را به سینه می زنند و باید جواب دهند که چه ویژگی در بین این شیوه حکومتی نهفته است که منشا و توجیه این همه جنایات و انهدام انسانیت، چه در درون مرزهای غرب و چه در خارج از مرزهایشان یعنی در سراسر جهان می باشد؟؟

ما با بررسی عملکرد دموکراسی غربی، این شیوه حکومتی را چیزی جز فاشیسم با آرایش دموکراسی نمی دانیم. و آنرا "فاشیسم دموکراسی" می نامیم. پس نتیجه می گیریم که در مقاله آزادی صرفا به شعارها و ظواهر زیبای فریبنده نباید پرداخت و انسان آزاد کسی است که در مسیر رشد و تکامل قرار گرفته و هیچ مانع و قیدی او را از راهش باز ندارد و سرنوشتش را تغییر ندهد.

چه بسا آزادی هایی در محتوی اسارت است همچون آزادی در فساد و لجام گسیختگی و ... یک آزادی معنایش رهایی از اسارت و وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی به بیگانه است. و دیگری معنایش آزاد گذاشتن مسابقه رقابت برای وابستگی و نوکری و بیگانه پرستی است. یک آزادی، آزادی خمینی و دیگری آزادی لیبرال است.

(کیهان - ۲۹ آذر ۵۹)

ارتش آمریکا به خاطر حفظ منافع امپریالیسم غرب سال های سال ویتنام را زیر آتش گرفت. هم دموکراتها، که در زمان "نا مرحوم کندی!" از پایید گذاران جنایت بودند و هم جمهوری خواهان، که شدیدترین مبارزان هارا علیه هائوئی مکار گرفتند، همگی به نام دفاع از صلح جهانی دست به این کارها زدند:

از یک طرف حمایت بی دریغ حقوق بشر آمریکایی از کشتارهای وحشیانه مارگوس در فیلیپین، یا کشتار فجیع صدها هزار مسلمان در اندونزی توسط "سوارتو" و یا دفاع از رژیم های فاشیستی هم چون "پینوشه" در شیلی، نظامیان در آرژانتین و برزیل و کشتار وحشیانه خلق السالوادور، گواتمالا، دومینیکن و همچنین کشتار مسلمانان ظفار توسط شاه مفلوک و قابوس منفور و حمایت از رژیم های ارتجاعی و فاشیست عربستان، اردن، مصر و ...

از طرف دیگر قرن ها استعمار و کشتار وحشیانه مستضعفین جهان توسط دموکراسی کهنه کار انگلیس در هند و خاورمیانه و افریقا و جنایات دموکراسی فرانسه در خاور دور و افریقا و آمریکای لاتین و ...

همه جنایاتی که از قرن ها پیش توسط دنیای غرب علیه مستضعفین جهان اعمال می شود، با شعارهای دفاع از دنیای آزاد دموکراسی غربی و صلح جهانی همراه است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم): با نام نویسی در بسیج مستضعفین، تمام نیروی خود را در خدمت مقابله با جنایتکاران صدامی قرار دهید

کردستان خواسته اند که با نام نویسی در بسیج مستضعفین، توطئه های مشترک امپریالیسم و رژیم های مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی را عقیم سازند.

در این اطلاعیه آمده است:

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) با انتشار اطلاعیه ای، ضمن اشاره به توطئه های امپریالیسم آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، از تمامی خلق کرد و نیروهای انقلابی در

جنگیده است. ما برای آزادی سیاسی فردی و اجتماعی، آزادی بیان و قلم و مطبوعات و اجتماعات و احزاب سیاسی و سازمان های صنفی و سندیکایی، برای حق کار و مسکن و تحصیل و استراحت و تامين دوران پیری و برابری زن و مرد و ... برای عدالت اجتماعی، قانونیت، نخستین حزب سیاسی بوده ایم که پرچم افراشته ایم و سرسخت و پیگیر مبارزه کرده ایم و در این راه قربانی ها داده ایم. این نبرد دراز مدت و سخت و پرمخاطره و گاه خونینی که ما برای دمکراسی کرده ایم، نه فقط برای آن بوده که حزب ما، بیش از هر گروه و سازمان سیاسی دیگر، از فقدان آزادی های دمکراتیک و از وجود استبداد صدمه دیده و عذاب کشیده، و نه فقط برای این بوده که ما طبعاً برای فعالیت آزاد خود، آزادی می خواهیم، بلکه به ویژه برای این بوده که، ما دمکراسی را برای رشد و تکامل جامعه، از هر بابیت و در هر زمینه، لازم می شمیریم. ما امروز نیز خواستار جدی امنیت قضایی، قانونیت و آزادی های دمکراتیک هستیم، خواستار جدی اجرای کامل و دقیق تمام آزادی ها و حقوق دمکراتیک مصحح در قانون اساسی هستیم، خواستار گشاده دستی در اجرای دمکراسی و پاکسازی تمام رسوایی که در طرز تفکر و شیوه عمل این و آن، از دوران مدید قرون حکومت استبدادی بازمانده اند، هستیم و در حدود توان خود، ولی مجدانه و پیگیر، در راه این خواست های محفانه و عادلانه مبارزه می کنیم.

ولی جبهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیستی، جبهه نبرد با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، جبهه نبرد با خطر کسب استقلال است، چونکه - باید تاکید کرد - با کسب استقلال، با شکست آمریکا، با شکست ضد انقلاب، با درهم کوبیدن پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران (سرمایه داری وابسته و بزرگ - زمین داری)، با پیروزی در این جبهه اصلی نبرد است که آن دو دیگر هدف انقلاب، یعنی دمکراسی و نوسازی کشور به سود زحمتکشان ممکن خواهد شد، و دمکراسی مضمون واقعی و خلقی کسب خواهد کرد، و نوسازی کشور به صورتی انجام خواهد گرفت که رفاه معنوی و مادی خلق قهرمان ستم کشیده ما را تامین کند و ایران عزیز، وطن عزیز ما را به ایرانی آباد و آزاد و مترقی و سر بلند بدل کند. در این راه و برای رسیدن به این مقصود "سرنوشت ها کت کند خار مغیلان غم مخور!"

استقلال ...

بقیه از صفحه ۴

جنگ دادگاه های انقلاب برهاند، سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی را از گزند انقلاب محفوظ دارد. و چون این برنامه هم زیر فشار امواج انقلاب درهم ریخت، بورژوازی لیبرال از انقلاب "شیمان" شد و دوباره پرچم "آزادی - خواهی" را برافراشت و بدین وسیله کوشید و می کوشد که مجدداً جبهه اصلی نبرد را، از نبرد علیه امپریالیسم و وابستگی، از نبرد برای کسب استقلال منحرف کند و آن را بنام "آزادی های دمکراتیک"، در واقع برای آزادی خودش، به منظور رسیدن به همان هدفی که توضیح دادیم (تصرف قدرت حاکم برای برداشت سهم بیشتر از ثروت ملی و بهره کشی بیشتر از زحمتکشان، که طبعاً فقط به همراه وابستگی کشور می تواند انجام گیرد) بکشد.

استواری سیاست حزب توده ایران از کجا ناشی است؟

حزب توده ایران، از روی تحلیل علمی، تجربه دراز مدت و تشخیص درست آرایش قوا در میدان مبارزات انقلابی، همان فردای پیروزی انقلاب (در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب) با پیش بینی تمام این جریان - ها، سیاست علمی درستی اتخاذ کرد. مادر همان نخستین شماره روزنامه "مردم" - ارگان مرکزی حزب توده ایران - که به تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۷ بطور علنی انتشار یافت، پس از "سلام بر انقلاب مردم"، سرمقاله ای انتشار دادیم زیر عنوان "جبهه اصلی نبرد - جبهه ضد امپریالیستی است". این سیاست تا امروز، بدون کمترین انحراف و علی رغم محدودیت های بی دلیل و غیر قانونی که برای آزادی عمل و فعالیت حزب ما انجام گرفته است، با استواری و پیگیری بی تزلزل ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. چرا؟ آیا مابه آزادی های دمکراتیک کم بهای می دهیم؟ البته نه. هر بی غرض و منصفی تصدیق می کند که حزب توده ایران در تمام مدت ۴۰ ساله عمر خود، بی وقفه و فداکارانه بر ضد استبداد، بر ضد خفقان، بر ضد قانون شکنی ها، بر ضد هر نوع آزادی کشی و برای آزادی های دمکراتیک، و نه فقط برای آزادی های دمکراتیک، بلکه همچنین برای حقوق دمکراتیک مردم

نامه کارگران اخراجی شرکت نفت فلات قاره (بهرگان) به نامه «مردم»

پس از صدور بخش نامه مدیر عامل شرکت نفت فلات قاره خطاب به رئیس منطقه بهرگان پیرامون کار کارگران روزمزد این شرکت، ۶۰ تن از این کارگران اخراج شدند.

مطابق این بخش نامه "ادامه کار" این کارگران موکول به "کسب مجوزی" از شخص مدیر عامل شده بود. کارگران اخراجی طی نامه ای به نامه "مردم" به اخراج خود اعتراض کرده اند، در این نامه می خوانیم:

روزنامه "نامه مردم" منطقه نفتی "بهرگان" امام حسین، که قبلاً بنام "سیریب" با همکاری دولت ایتالیا و

نفتگران و ...

بقیه از صفحه ۴

حقه ما کارگران است و طبق قانون کار، شرکت نتواند یک طرفه و به دلخواه آن را قطع نماید، ولی چون شرایط حساس مملکت ایجاب می کرد که چنین تصمیمی گرفته شود، لذا می باید وقتی شرایط به حالت عادی برگشت مجدداً قابل پرداخت باشد.

گوشه ای از کمک های نقدی و جنسی نفتگران به جبهه

نفتگران کمک های نقدی و جنسی خود را به سوی جبهه جنگ و مناطق جنگ زد سرارزمی کنند.

ایران اداره می شد، اکنون بعد از انقلاب، که ایتالیایی ها از آن منطقه رفته اند، تمام کارمندان و کارگران آن ایرانی می باشند، حدود ۶۰۰۰۰ کارمند و کارگر در منطقه امام حسن کار می کنند.

از تعداد ۳۰۰۰ کارگر، ۶۰ نفر روزمزد هستند و از ۲ تا ۱ سال سابقه کار دارند.

اخیراً مدیر عامل بخش نامه ای صادر کردند که طبق این بخش نامه کارگران روزمزد می بایست از این تاریخ به علت نبودن کار در منطقه اخراج شوند و همگی را اخراج کرد.

تمام کارگران اخراجی بومی هستند و هیچ نوع شغل دیگری ندارند و اکنون قریب یک ماه است که هیچ گونه حقوقی به آن ها نداده اند.

خواهشمندیم با درج این نامه درد این کارگران اخراجی را منعکس کنید، تا اسوسی مسئولین به آن رسیدگی شود.

از طرف کارگران اخراجی

گوشه ای از کمک های نقدی و جنسی نفتگران به جبهه

۱- برنج ۶ تن،
۲- شکر ۲ تن،
۳- روغن نباتی ۱/۵ تن،
۴- حبوبات ۱/۵ تن،
۵- جای ۱۲۰ کیلو.

در مراسم تشییع جنازه شهید در گرگان:

خون شهیدان تداوم بخش مبارزه با امپریالیسم، بسو کردگی امپریالیسم آمریکا است



در مراسم تشییع جنازه شهید جنگ، که در گرگان برگزار شد، مردم شعار میدادند: «قسم به خون شهید، مبارزه با صدامها با آمریکا ادامه دارد»

هزاران نفر از مردم گرگان روز ۲۱ آذر ۵۹، همراه با رزمندگان پاسدار و ارتشی برای تشییع جنازه شهید: طالب فتانی (سرباز)، شعبان بهرامی (پاسدار) و شعبان آزادی که از اهالی روستاهای قلعه حسن، هاشم آباد، بالاچاده بودند و در جبهه‌های جنوب و غرب کشور به شهادت رسیده‌اند از سردخانه تا کورستان راه‌پیمایی کردند. پیشاپیش راه‌پیمایان، که اغلب از زحمتکشان روستایی و شهری بودند، دسته موزیک و گارد احترام ارتش رژه میرفت، مردم شعار می‌دادند: «توب، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، از شربت شهادت، صدام خبر ندارد». «آبادان، خوزستان مقاومت کن، مقاومت کن».

با هشیاری واتحاد...

بقیه از صفحه ۱

از طرف دیگر، اخبار حاکمیت که ضمن تشدید بی‌سابقه فعالیت نظامی آمریکا و عملیات در منطقه (مرکز ناوگان عظیم آمریکا، همراه با واحدهای «راکتس سریع» در مجاورت ایران، تقویت نظامی دولتها و شیخ‌نشین‌های مرتجع خلیج فارس و تشویق آنها به مداخله نظامی در ایران، اعزام لشکرهای پاکستانی به عربستان سعودی و برخی شیخ‌نشین‌ها و غیره) طرح اشغال نظامی سه جزیره ایران (تپ بزرگ و کوچک و ابوموسی) واقع در دهانه آبراه هرمز، تهیه و آماده برای اجرا شده است. طرح وسیع‌تری نیز که بنام طرح «لوئیز» معروف است و توسط نیکسون-کیسینجر آماده و توسط پرزینسکی تکمیل شده، در دستور روز قرار گرفته است. طبق این طرح می‌بایستی با تجزیه کشورهای موجود در منطقه، «مبنی کشورهای» بوجود آیند که «هدایت» آنها آسانتر باشد. سهم ایران در این طرح، تجزیه بلوچستان، خوزستان و کردستان از مبین ما است.

در مغز جهان‌نواران ماجراجوی یانکی، اجرای طرح اشغال جزایر ایران در خلیج فارس، قاعده‌ها می‌بایستی بعنوان مقدمه‌ای برای اجرای طرح «لوئیز» در نظر گرفته شده باشد، بشرط اینکه «سیاه» طرح‌های فوری‌تر، موثرتر و قابل‌اجراتری را پیشنهاد نکنند.

ضمناً بدیهی است که باید ضدانقلاب گریخته از ایران را نیز «حاضر بکار» کرد. از جمله «رنج سفر» را به اشرف خان هموار کرد، تا به آمریکا - مرکز جنایتکاران جهان - برود و در ملاقات‌های «غیررسمی» با کیسینجرها و راکفلرها و راجرها، مطمئن شود که آمریکا از هیچ‌کسکی برای استقرار رژیم «شاهنشاهی» در ایران به اشرف خانی و شرکا دریغ نخواهد ورزید.

در داخل کشور نیز آمریکا، مجدداً در این روزها، همه امکانات خود را بکار گرفته، تا با ایجاد بلوا و اغتشاش و ناامنی، ضمن انحراف افکار از توجه به توطئه جدیدی که باید اجرا شود، جو ناسالم مساعدی برای تحقق توطئه فراهم کند. سوء قصد به جان آیت‌الله موسوی اردبیلی - دادستان کل کشور، دامن‌زدن به انحصار و تحمیل در بعضی از مراکز کارگری، ایجاد درگیری در خیابان «مبارزان» و قتل جوانی در آن درگیری برای ایجاد جوی ملت‌ب، تبلیغات عنان‌گسیخته وسیعی که مجدداً مترسک «خطر کمونیسم» و «خطر توده‌ایها» را به جنبش درآورده و... همه برای شکستن صفوف متحد خلق از یکسو و انحراف توجه از خطر توطئه جدید آمریکا ازسوی دیگر، به اجرا درمی‌آید.

«جاده‌ساف کن‌های» امپریالیسم آمریکا - از ضدانقلاب‌مستحکم گرفته تا لیبرالها و مانوئیست‌ها، که بوی کباب شنیده‌اند، بر شدت فعالیت خود افزودند. آمریکا و عملیات درصددند «موازنه قوا» را در داخل بسود ضدانقلاب برهم بزنند، تا اجرای توطئه هفتم قابل تحقق شود.

اندک توجهی که به مجموعه عملیات و تبلیغاتی که آمریکا و عملیات در این روزها، چه در خارج و چه در داخل ایران، انجام میدهند، بنحوی بارز نشان میدهد که ما در آستانه اجرای توطئه جدیدی از جانب آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران واقع شده‌ایم. خطر جدی و فوری است و بی‌توجهی بدان میتواند فاجعه ببار آورد.

خوشبختانه این بار مقامات رهبری و عالیترین مقامات مسئول به‌خطر توجه دارند. ولی فزون‌براین توجه، باید تمام اقدامات ضرور انجام گیرد، تا آماده مقابله و خنثی کردن توطئه بود و آنرا بهر

در ادامه جنگ...

بقیه از صفحه ۱

با دادن ۱۸ کشته و ۳۹ مجروح متواری شدند. از نیروهای خودی یک تن شهید و ۴ تن مجروح شدند.

۳- همچنین روز چهارم دیماه، مناطق سرپل‌زهاب، گیلانغرب و کوره‌موش درگیر مبادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی و نیروهای مزدور ارتش عراق بوده و تلفات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای دشمن وارد شده است.

۴- در جبهه سوسنگرد رزمندگان نیروهای خودی در یک عملیات چریکی موفق شدند، یک دستگاه نفربر و ۴ سنگر دشمن را منهدم کرده و حدود ۲۰ تن از نیروهای دشمن را به هلاکت برسانند. در این عملیات چریکی ۲۵ تن از مزدوران صدامی زخمی شدند. همچنین در اینروز شهر سوسنگرد بطور متناوب زیر آتش توپخانه دشمن قرارداشت.

۵- بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درجبهه - های اهواز، این ضایعات به دشمن وارد شده است: انهدام ۷ دستگاه تانک، ۲ دستگاه خودروی سنگین، ۲ دستگاه

شکلی از اشکال که بخواهد اجرا شود، فوراً و با قاطعیت عقیم کرد. آماده‌شدن برای درهم‌شکستن فوری و قطعی توطئه جدید آمریکا، قبل از هر چیز، مستلزم اجرای رهنمود امام خمینی مبنی بر تامین و حفظ آرامش و امنیت است. باید از هرگونه درگیری، اعتصاب، تحصن و تظاهرات و هر اقدامی، از جمله تبلیغاتی که جو ناسالمی بوجود می‌آورد زمینه و بستر برای فعالیت ضدانقلابی فراهم می‌کند و توجه مردم را از خطر توطئه منحرف میکند، مجدانه جلو گرفت.

اتحاد عمل تمام نیروهای راستین انقلابی وسیله مطمئن وضامن پیروزی در هر درگیری با دشمن غدار - آمریکای جنایتکار است. باید تمام تدابیر مفید و لازم برای اتحاد عمل نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اتخاذ و اجرا شود. صف نیروهای مدافع انقلاب را باید فشرده‌تر کرد. توده‌های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان شهر و روستا را باید فوراً برای مقابله با توطئه جدید آمریکا و درهم‌شکستن آن بسیج کرد. برای بسیج این توده‌های میلیونی، باید انقلاب را تعمیق کرد و مواضع اجتماعی ضدانقلاب را تسخیر نمود. برای تسخیر مواضع اجتماعی ضدانقلاب باید با قدرت اصلاحات ارضی مصوب را تحقق بخشید، بازگانی خارجی را ملی کرد، توزیع عادلانه کالاهای ضرور را با وسعت و دقت به‌اجرا درآورد، برشته اقداماتی در این زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی دست زد، تا توده‌های میلیونی هرچه‌زودتر و بنحوی ملموس و محسوس از ثمرات انقلاب بهره‌مند شوند و سد غیرقابل شکستی در برابر هر توطئه ضدانقلابی ایجاد کنند، تا ضدانقلاب منزوی و ناتوان شود و «دست داخلی» آمریکا بشکند.

کار دستگاه تبلیغاتی در ایجاد حفظ آرامش، در تدارک اتحاد عمل انقلابی تمام نیروهایی که بتوان برای دفاع از انقلاب متحد ساخت، در تعمیق انقلاب و اجرای تدابیر مفید و لازم در زمینه بسیج توده‌های میلیونی برای حفظ جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آمریکا و عملیات، حائز اهمیت بزرگی است. باید بکار دستگاه تبلیغاتی، بویژه به رادیو و تلویزیون بیش از پیش توجه کرد. از وظایف مهم این دستگاه جلب توجه مردم به جبهه جنگ، جلب توجه مردم به تدارک توطئه جدید آمریکا، جلب توجه مردم به لزوم حفظ آرامش، اتحاد عمل، بسیج توده‌های میلیونی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. دستگاه تبلیغاتی باید به مردم دائماً این حقیقت را گوشزد کند که ما با فتردن صفوف انقلابی خود میتوانیم آمریکای خدعه‌گر و متجاوز را درهم شکستیم و پیروزی نهائی با ماست.

خلاصه در یک کلام، ما در آستانه یک توطئه جدید و نوبتی آمریکای جنایتکار قرار گرفته‌ایم و باید بیدارنگ تمام تدابیر لازم را برای شکستن این توطئه جدید بکار بندیم. آمریکای جنایتکار میخواهد ما را نابود کند. ما راهی جز پیروزی نداریم. ما پیروز خواهیم شد.

۳ رفیق توده‌ای...

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران ضمن اعتراض شدید به این اعمال غیرقانونی و جلب توجه مسئولین کشور،

خودروی حامل مهمات، دستگاه دستکاه بولدورز، دستگاه نفربر و ۲۳ سنگر. ضمناً در این عملیات نیروهای مزدور ارتش عراق حدود ۳۰ تن کشته و مجروح داشته‌اند. ۶- در اثر آتش سنگین توپخانه های نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه مارد، چندین قبضه تیربار و تعدادی از سنگرهای مزدوران ارتش عراق به آتش کشیده شد. در جبهه آبادان - ماهشهر نیز، ۴ سنگر دشمن زیر آتش توپخانه نیروهای خودی قرار گرفت و تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای دشمن در این منطقه به‌هلاکت رسیده و مجروح شدند. در این عملیات آمبولانسهای دشمن منهدم و مشغول تخلیه مجروحین و کشته‌های خود بودند.

۷- روز ۴ دیماه در جبهه‌های خوقین شسر و اهواز توسط رزمندگان جان‌برکف هوایروز این ضربات به دشمن وارد شده است: انهدام ۲ دستگاه تانکر سوخت، انهدام ۵ دستگاه لودر، انهدام ۸ دستگاه کامیون زیلو کپرسی، انهدام ۱ دستگاه انبار مهمات، در این عملیات تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای دشمن کشته و یک تن نیز به اسارت رزمندگان خودی درآمده است. ۸- در جاده ماهشهر - آبادان بر اثر آتش خمپاره‌اندازهای نیروهای خودی، حدود ۲۵ تن از مزدوران صدام کشته و زخمی شدند. همچنین در این محور چهارفروند هلی‌کوپتر دشمن ظاهر شد که بر اثر آتش رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران منهدم و فرار شدند. ۹- بر اثر آتش توپخانه نیروی

زمینی در جبهه دارخوین، ۴ دستگاه لودر دشمن به آتش کشیده شد. ۱۰- روز چهارم دیماه، جان برکفان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مواضع و مناطق تجمع نیروهای دشمن را در شمال قلعه دیزه زیر آتش گرفته و تعداد قابل ملاحظه‌ای از سنگرها، تانکها و ادوات زرهی دشمن با خدمه‌های مربوطه را منهدم کردند. میزان انهدام ۸۰ درصد بوده است.

کمک مالی به حزب توده ایران، تک وظیفه انقلابی است!

آنا خانواده آزاد ۵۰۰ ریال
ح. ا. ص. از ساری ۳۰۰۰ ریال
جمع آوری شده در عروسی رضاقدرسیه ۱۲۰۰۰۰ ریال
مهرت از شهر کرد ۲۱۰۰ ریال
حزب از شهر کرد ۱۱۰۰ ریال
سازمان حزب از شهر کرد
ع. سمنی ۴۰۰۰۰ ریال
از دامغان ۱۳۰۰۰ ریال
رفیق لاله از چالوس ۲ سکه ربعی
رفقا ط. و آذر ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاطعی بپردازند.

پیام شادباش...

بقیه از صفحه ۱

پایه‌گذاری حزب کمونیست فرانسه را به شما و از طریق شما، به همه اعضاء و هواداران حزب پرافتخارتان صمیمانه شادباش می‌گوید.

تاسیس حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۲۰ رویداد تاریخی‌سازی در حیات سیاسی و اجتماعی فرانسه و طبقه کارگر کشورتان بشمار میرود. در «کنگره تور» بخش عظیمی از طبقه کارگر فرانسه از رهبران اپورتونیست حزب سوسیالیست گسست و حزب مستقل خویش، حزب کمونیست فرانسه را برپایه اندیشه‌های توانای مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بنا نهاد.

حزب کمونیست فرانسه در شصت‌سالگی که از پایه‌گذاری آن میگذرد، همواره مدافع پیکر منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و خلق فرانسه بوده است. کمونیستهای فرانسه با پیکار جانبازانه خود در صفوف پیشاپیش رزمندگان ضد فاشیست در «جنبش مقاومت» علیه فاشیسم، حماسه‌ها آفریدند. در دوران پرتلاطم پس از جنگ نیز حزب کمونیست فرانسه پیوسته راهنمای طبقه کارگر فرانسه در مبارزات درخشان آن در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم بوده است.

همبستگی انترناسیونالیستی در تاریخ فعالیت حزب شما همواره مقامی بس شامخ داشته است. در این گستره، حزب توده ایران و جنبش رهاییبخش میهن ما پیوسته از پشتیبانی و همبستگی بیدریغ حزب کمونیست فرانسه برخوردار بوده است. کمونیستهای فرانسه در سیاه‌ترین دوران اختناق رژیم منفرود پهلوی، فدای حق طلبانه خلق و زحمتکشان ایران و حزب ما را بگوش مردم فرانسه و جهانیان می‌رسانند و اکنون نیز پیکرانه از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما در برابر دستان روزافزون امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا، به دفاع مشغولند. رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران در شصتین سالگرد تاسیس حزب افتخارآفرینتان، باردیگر بر همبستگی خود با پیکار کمونیستهای فرانسه در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم تاکید می‌کند و پیروزیهای هرچه بیشتر شما را در راه پیشبرد این هدفهای والا خواستار است.

با درود های رفیقانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین کیانوری

بخصوص مقامات استان آذربایجان شرقی، قاطعانه خواستار آزادی سریع این فرزندان مبارز توده‌ای است، که در کردستان پیکرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع و با ضدانقلاب مبارزه کرده‌اند.

سادات سخاوتمند!

جناب انور سادات در مورد «مبارزان» افغانی بسیار سخاوتمند شده است. انور سادات در نطقی بمناسبت سالگرد تولد خود، ضمن اشاره به «تقسیم دولت مصر برای افزایش کمک‌های نظامی هرچه بیشتر به مبارزان افغانی»، اعلام کرد که از مایملک شخصی خود، مقداری وجه نقد و لوازم ضروری برای کمک به «مبارزان» کسار گذاشته است. سادات تاکید کرد که کمک‌های گسترده دولت مصر به این «مبارزان» شجاع! بیش از پیش گسترش خواهد یافت. این کمک از راه پاکستان در اختیار ضدانقلابیون قرار می‌گیرد.

سادات بعد از ملاقات با یک هیئت «مبارزان افغانی» به رهبری ماجدی، این نطق را ایراد کرد.



زحمتکشان پرتغال با استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی مقابله خواهند کرد.

لویس خودرس، عضو دبیرخانه ملی کنفدراسیون عمومی کارگران پرتغال و عضو پارلمان این کشور گفت: «زحمتکشان پرتغالی قاطعانه با طرح پیمان ناتو در مورد استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی مقابله می‌کنند.» وی متذکر شد: «این اقدام با منافع همه‌خلفه‌های جهان مغایرت دارد و استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، که از سوی دولت کارتر تنظیم شده است، تهدیدی جدی برای همه بشریت است.»

در جریان تظاهرات در جلوی سفارت آمریکا: مردم کانادا شرکت امپریالیسم آمریکا در سرکوبی خلق السالوادور را محکوم کردند

در تورنتو، یکی از شهرهای کانادا، جمعیت زیادی به نشانه اعتراض به دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی السالوادور، که تاکنون به کشته شدن عده زیادی از مبارزان آزادیخواه و دستگیری و شکنجه و آزار انقلابیون این کشور منجر شده، در جلوی سفارت آمریکا به تظاهرات پرداختند. تظاهرکنندگان، ضمن محکوم کردن اعمال جنایتکارانه هیئت حاکمه دست‌نشانده السالوادور، خواستار قطع کمک نظامی به السالوادور شدند. شرکت‌کنندگان در تظاهرات همچنین از دولت کانادا خواستند که رسماً چنین روشی را ردپس بگیرد.

عضو رهبری لیبی: امپریالیسم آمریکا تمام کوششها برای حل و فصل عادلانه اختلافات در خاور نزدیک را عقیم می‌گذارد

احمد شهابی، عضو رهبری لیبی، در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس اعلام کرد: «افزایش حضور نظامی آمریکا در دیگر کشورها، صلح و امنیت همگانی را به خطر انداخته است.» وی ضمن اشاره به تلاشهای جدید امپریالیسم آمریکا برای به آشوب کشیدن اوضاع منطقه، گفت: «وزارت جنگ آمریکا در مصر، عربستان سعودی، سومالی و در دیگر کشورهای منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس بایگ‌های نظامی ایجاد کرده است.» احمدشهابی همچنین متذکر شد: «آمریکا تمام کوششها در راه حل و فصل عادلانه اختلاف خاور نزدیک را عقیم می‌گذارد.»

وزارت خارجه هند گزارشهای تحریک‌آمیز امپریالیستی علیه این کشور را تکذیب کرد

وزارت خارجه هند این باطیل را که گویا این کشور در برابر دریافت اسلحه از اتحاد شوروی بنابر خودرابطه برای ساختن پایگاه‌های نظامی و دریایی در اختیار شوروی قرار می‌دهد، قویاً تکذیب کرد. لازم به یادآوری است که رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق در پاکستان، برای منحرف کردن افکار عمومی جهان از سیاست خائنانه خود در تبدیل پاکستان به پایگاه توطئه و تجاوز آمریکا علیه خلقهای منطقه، منبع اصلی پخش این اراجیف است.

معاون وزارت دفاع کامپوجیا: نیروهای مسلح کامپوجیا آماده سرکوب تمام تجاوزات امپریالیستی به قلمرو کشور هستند

جان‌سی، معاون وزارت دفاع جمهوری خلق کامپوجیا گفت: «واشنگتن و یکن به توطئه‌های خود علیه کامپوجیا ادامه می‌دهند تا مانع ساختمان زندگی نوین در کشور شوند.» وی افزود: «رهبران چین به حمایت همه‌جانبه از باند جنایتکار پول‌پت - ینگساری ادامه می‌دهند و از تلاش برای سرهم‌بندی کردن یک جبهه ضد کامپوجیایی از گروههای فراری ضدانقلابی دست نکشیده‌اند.»

جان‌سی گفت: «مقام‌های تایلندی که در خدمت ارتجاع جهانی هستند، از اوباشان پول‌پت - ینگساری حمایت نظامی مستقیم بعمل می‌آورند و نیروی هوایی تایلند بطور منظم حریم هوایی کامپوجیا را نقض می‌کند. این اقدامها مانع کاهش تشنج در مرزهای غربی کشور است.» این مقام برجسته کامپوجیایی در سخنان خود، ضمن سیاست‌گذاری عمیق خلق کامپوجیا از نیروهای مسلح ویتنام، که بویژه در زمینه ایجاد و تحکیم ارتش انقلابی خلق کامپوجیا برادرانه همکاری می‌کنند، گفت: «نیروهای مسلح کامپوجیا آماده‌اند به تمام توطئه‌های ارتجاع جهانی پاسخ دندان‌شکن بدهند.»

شوخی نیست...!

دسته گلی که دکتر متخصص «القاء ایدئولوژی» به آب داد

گفتم: خوب چکار کنیم؟ شما را القاء کنم تا دست از این مبارزات خونین ضد امپریالیستی بکشید؟
گفت: هر جا می‌روم، می‌گویم من مسلمانم، می‌گویند: لیبرال! هر جا می‌روم و قسم می‌خورم که من مسلمانم، می‌گویند برو سازشکار، برو، ما اسلام آمریکایی نمی‌خواهیم.
پرسیدم: هر جا؟
گفت: هر جا که نه. چند روز پیش توی سرای دستمالچی بودم. همه حاضر بودند پشت‌سرم نماز بخوانند. اما خدا نکند پام را بگذارد مثلاً توی میدان راه‌آهن، یا جوادیه، آنوقت تره هم برایم خرد نمی‌کنند که هیچ، می‌شمار می‌دهند: لیبرال! لیبرال! لیبرال!

بی‌مقدمه عرض کنم که هفته گذشته بنده دسته گلی به آب‌دادم که خودم را از خنده روده‌بر کرده‌ام. لابد می‌رسید بنده که باشم که پایای برهنه دریده‌ام وسط؟ عرض‌شود که بنده همان دکتر «صادق قانع» معروف هستم، که در «القاء ایدئولوژی» تخصص دارم. حتماً می‌دانید که بنده متخصص القاء انواع و اقسام ایدئولوژی هستم و این روزها، که بیماری «آیدئولوژی» در کشور سخت واکیر شده، فرصت‌سرخاراندن هم ندارم. بله، داشتم از دسته گلی که آب‌دادم می‌گفتم. ماجرا این‌است که دوشنبه گذشته در حالیکه ۲۳ ساعت از ۲۴ ساعت را ایدئولوژی القاء کرده بودم و بازم صف در صف در مطب مشتری‌نشسته بودم، منشی مطب آمد و گفت:

یک آقایی که فارسی را یک‌جوری حرف می‌زند، بیشتر از صدبار تلفن کرده و وقت می‌خواهد.
همانطور که داشتم به یک مائوئیست، آمبول ۷۰۰ سی‌سی «اسلام آمریکایی» می‌زدم، گفتم: - می‌بینی که وقت ندارم.
منشی با لحن دردناکی گفت:

- یک آقایی که فارسی را یک‌جوری حرف می‌زند، بیشتر از صدبار تلفن کرده و وقت می‌خواهد.
همانطور که داشتم به یک مائوئیست، آمبول ۷۰۰ سی‌سی «اسلام آمریکایی» می‌زدم، گفتم: - می‌بینی که وقت ندارم.
منشی با لحن دردناکی گفت:

پرسیدم: حالا باید برایتان چکار کنیم؟
گفت: راستش آمده‌ام یک کمی اسلام به من القاء کنید، تا شاید مردم قبول کنند من مسلمانم.
گفتم: عرض‌شود که، اسلام انقلابی که القاء کردنی نیست. اگر بخواهید می‌توانم به شما اسلام آمریکایی...
حرفم را برید و گفت: میخواهید زیره به کرمان ببرید...

- آخر این آقا مرا به تنگ آورده، می‌گوید مساله مرگ و زندگی در میان است. خواهش کرده که هرطور است او را ببینید. هرچه من گفتم دکتر وقت ندارد، اصرار کرد که بخود دکتر بگوئید، شاید درست بشود.
راستش نگران شدم. گفتم:
- این یکساعت را هم نمی‌خواهم، زندگی مردم مهتر است. تلفن بزیند خودش را برساند. یک ربع بعد، در اتاقم باز شد و آقایی، که عینک طبی قشنگی بچشم داشت و مقداری از ریشش سفید شده بود و به نظرم آشنا می‌آمد، وارد شد. نشست نشسته، شروع کرد تند و تند بحرف زدن. می‌گفت (البته ایشان لهجه آمریکایی داشت و بنده ترجمه حرفهایش را می‌نویدم):

گفتم: بله، متوجه شدم. می‌خواهید «شبه اسلام»، «اسلام مائوئیستی»، «اسلام ضیاءالحق»... به شما القاء کنم؟
بیمار قبول کرد و بنده در همان حالت خواب ویداری، توسط یک آمبول بزرگ، مقدار زیادی بایشان ایدئولوژی مورد نظر را القاء کردم. بیمار بعد از تشکر، در حالیکه کارتی را از جیب درمی‌آورد، آمد و بیخ گوشم گفت:

- آقای دکتر، شما باید بمن، کمک کنید. کمک کنید. چه زمانه‌ای شده آقا، سالهای سال در ایالات متحده آمریکا خون دل خوردم و برای اسلام مبارزه کردم. سالهای سال از پنسیلوانیا گرفته تا ماساچوست اسلام را تبلیغ کردم. سالهای سال در هجرت و در بدری از این شهر ایالات متحده آمریکای شمالی به آن‌شهر ایالات متحده آمریکای شمالی رفتم و با امپریالیسم مبارزه کردم. به ایران هم که برگشتم، وقتی این مردم رفتند و سفارت‌خانه کبرای ایالات متحده آمریکای شمالی را تسخیر کردند، در ادامه مبارزاتم رفتم و دیپلمات‌های محترم سفارت را، که مردم به آنها می‌گفتند جاسوس، آزاد کردم و به مردم گفتم که این کارها اسلامی نیست. در دو سال گذشته با کارهای غیراسلامی که این مردم دنبال هستند، مانند واگذاری زمین به دهقان‌ها، ملی‌شدن صنایع و بیمه، ملی‌شدن مدارس و هزاران کار مانند آن مخالفت کردم و به مبارزه ضد امپریالیستی ادامه دادم. بالاخره هم برای اینکه نفرت خود را از امپریالیسم نشان بدهم، رفتم و همراه دوستانم با برزیسکی ملاقات کردم و چه وعده‌ها که... حالا می‌دانید چه شده آقایی دکتر؟ حالا به بنده می‌گویند: لیبرال! می‌گویند: سازشکار! می‌گویند: آمریکایی!

گفتم: خوب، مستر، ببخشید آقای عزیز، من چکار می‌توانم برایتان بکنم؟
نگاهی به من انداخت و گفت: مگر شما متخصص القاء ایدئولوژی نیستید؟
گفتم: چرا.
گفت: خوب، کاری بکنید.

گفتم: بله، متوجه شدم. می‌خواهید «شبه اسلام»، «اسلام مائوئیستی»، «اسلام ضیاءالحق»... به شما القاء کنم؟
بیمار قبول کرد و بنده در همان حالت خواب ویداری، توسط یک آمبول بزرگ، مقدار زیادی بایشان ایدئولوژی مورد نظر را القاء کردم. بیمار بعد از تشکر، در حالیکه کارتی را از جیب درمی‌آورد، آمد و بیخ گوشم گفت:

رقم سراغ مصاحبه و همینکه تیتز مطلب را دیدم، حدس زدم چه دسته گلی آب‌دادم و بعد مطلب را خواندم و دیدم بر است از: «به منابه سمترین پروسه مارکسیستی»، «این حزب دچار اپورتونیسم بوده»، «مشی رفورمیستی»، «یک رشته اقدامات رفورمیستی»... و چند تا نقل قول از یکی از رهبران معروف مارکسیست.
با اینکه بگویی نکوفی متوجه شده بودم چه دسته گلی آب‌دادم، برای اطمینان خاطر رقم سراغ فرهنگ مارکسیستی. دیدم نوشته است که «اپورتونیسم» را اولین بار همان رهبران معروف مارکسیست درباره انحراف در جنبش کارگری بکار برده‌اند و... آخر سر هم رقم سراغ آمبول‌ها و دیدم بله، به بیمار بجای «شبه اسلام» مقدار زیادی ایدئولوژی «شبه مارکسیستی» القاء کرده‌ام. دیگر نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و زدم زیر خنده. حالا... حالا هم از زور خنده نمی‌توانم ادامه بدهم.

رقم سراغ مصاحبه و همینکه تیتز مطلب را دیدم، حدس زدم چه دسته گلی آب‌دادم و بعد مطلب را خواندم و دیدم بر است از: «به منابه سمترین پروسه مارکسیستی»، «این حزب دچار اپورتونیسم بوده»، «مشی رفورمیستی»، «یک رشته اقدامات رفورمیستی»... و چند تا نقل قول از یکی از رهبران معروف مارکسیست.
با اینکه بگویی نکوفی متوجه شده بودم چه دسته گلی آب‌دادم، برای اطمینان خاطر رقم سراغ فرهنگ مارکسیستی. دیدم نوشته است که «اپورتونیسم» را اولین بار همان رهبران معروف مارکسیست درباره انحراف در جنبش کارگری بکار برده‌اند و... آخر سر هم رقم سراغ آمبول‌ها و دیدم بله، به بیمار بجای «شبه اسلام» مقدار زیادی ایدئولوژی «شبه مارکسیستی» القاء کرده‌ام. دیگر نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و زدم زیر خنده. حالا... حالا هم از زور خنده نمی‌توانم ادامه بدهم.

جک اندرسن، توطئه‌های «سیا» را علیه آنگولا فاش کرد

جک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکایی، در واشنگتن‌پست فاش کرد که سازمان سیا در سال ۱۹۷۶-۱۹۷۵ علیه انقلابیون در آنگولا توطئه‌های بیشرمانه‌ای را سازمان داده بود. به نوشته اندرسن، سازمان «سیا» در این دوره مزدور استخدام میکرد ربه آنگولا تحریک کرد.

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- ★ نورالدین کیانوری: درباره «القاء ایدئولوژی» - ادعاهای و واقعیت‌ها (شماره ۴۰۲)
- ★ خطر آمریکا، جدی، فوری و باقی است (شماره ۴۰۵).

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 406
29 December 1980

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱
۱۴ پستی تهران